

محصلان ایرانی در اروپا در طول جنگ جهانی اول

محمود دلفانی



مؤدب الملک با ۱۲ نفر از محصلین ۱۲۹۰ شمسی قبل از عزیمت به پاریس

از چپ به راست، ردیف اول: جعفر خان حکیمی - احمد خان اردشیر - غلامعلی خان قریب - مؤدب الملک - میرزا علی اکبر خان سیاسی - محمود خان رشتی، ردیف دوم: زمان خان بهنام - میرزا محمود مرشدزاده سیف‌اله خان شهاب - علی خان ریاضی - محمود میرزا والا - نشسته بر زمین: حبیب‌اله خان شهاب

مقدمات اعزام محصل به اروپا

اعزام محصل به خارج از کشور، از جمله موضوعاتی است که بررسی آن، به شناخت ابعاد گوناگون فرهنگی- اجتماعی ایران پس از مشروطه کمک زیادی می‌کند. این بررسی، روند اعزام محصل به خارج از کشور، سیاستهای دولتهای مشروطه، واکنش بانکها و مدارس خارجی و عملکرد نظام اداری و برخی جریانهای موثر در این زمینه را دربر می‌گیرد.

درواقع نیاز به فراگیری علوم و فنون پیشرفته در اثر آشکار شدن بیش از پیش عقب‌ماندگی ایران در زمینه‌های فرهنگی و صنایع زیربنایی و نظامی و شکل‌گیری اندیشه اصلاحات اقتصادی و اجتماعی، بهره‌گیری هرچه بیشتر از دانشهای فنی و علمی کشورهای پیشرفته را ایجاد می‌کرد، که در جای خود منشاء اثر تحولاتی چند، در ابعاد فرهنگی و اجتماعی گردید.

روند اصلاحات اقتصادی، اجتماعی، نظامی و توسعه در علوم و فنون که از جانب افرادی مانند عباس میرزا، قائم‌مقام فراهانی، میرزاتقی‌خان امیرکبیر و میرزا حسین‌خان سپهسالار شکل گرفت، لزوماً بکارگیری تجارب و دانشهای کشورهای خارجی را در پی داشت.

در همین راستا در ابتدا، استفاده از معلمان و متخصصان خارجی در زمینه‌های آموزش علوم و فنون، مورد توجه قرار گرفت و به دنبال آن اعزام جوانان ایرانی به خارج از کشور نیز آغاز شد.

از آنجایی که نیاز جامعه ایران به متخصصان کارآزموده بسیار اساسی بود این دو جریان به موازات هم وجود داشتند، اما چون ورود متخصصان و معلمان خارجی گاه پیامدهای سیاسی به دنبال داشت از طرفی دیگر به دلیل وجود امکانات و تکنیکهای آموزشی و علمی پیشرفته‌تر در کشورهای اروپایی جریان اعزام محصل به خارج بیشتر مورد توجه قرار گرفت. در همین راستا، برای نخستین بار در زمان عباس میرزا (۱۲۳۰ق) تعدادی تحت عنوان محصل به خارج اعزام شدند و از آن پس این حرکت به‌طور ناپیوسته ادامه داشت.

اعزام محصل به خارج پس از مشروطه

پس از استقرار مشروطیت، مجلس شورای ملی و هیأت وزراء، با تصویب قوانین و مصوبه‌هایی در مورد اعزام محصل به خارج، در صدد بودند، کمبود نیروی متخصص مورد نیاز صنایع، نظام و علوم را مرتفع سازند. شدت کمبود نیروی متخصص را می‌توان از گفته

فرمانفرما، پس از ورود تعدادی از محصلان به ایران - که در پی مشکلات مالی دولت و وقوع جنگ جهانی اول تحصیل خود را ناتمام گذاشته و مجبور به بازگشت شده بودند - خطاب به وزیر معارف دریافت. وی به شهاب‌الملک گفت: «شانس آورده‌ای که این جوانان تحصیل کرده به ایران مراجعت کرده‌اند، و می‌توانی از وجود آنها در دارالفنون استفاده کنی». اهمیت این مطلب هنگامی هویدا می‌شود که بدانیم سطح تحصیلات محصلان در اروپا در صورت تکمیل در آن زمان از درجه لیسانس یا معادل آن تجاوز نمی‌کرد و البته بسیاری از این افراد که وارد ایران شدند تحصیلاتشان نیمه تمام بود ولی با این حال به سرعت در مراکز مهم اداری و آموزشی، وزارتخانه‌ها و مراکز آموزش فنی و... جذب می‌شدند. به عنوان نمونه می‌توان از علی‌اکبر خان بهمن نام برد که بلافاصله پس از ورود ایران به سمت مدیریت یکی از ادارات وزارت خارجه جذب شد.

اگر جریان اعزام محصل به خارج سیر طبیعی و عادی خود را می‌پیمود، امید آن بود که تأثیرات شگرفی در رشد و توسعه فرهنگ و علوم و... به وجود آورد، اما، وقفه‌هایی که در این روند پدید آمد امکان بهره‌گیری از این سرمایه‌گذاری اساسی را عقیم کرد. بخشی از عوامل ایجاد این وقفه‌ها را مشکلات داخلی و بخشی دیگر را تحولات خارجی تشکیل می‌دادند.

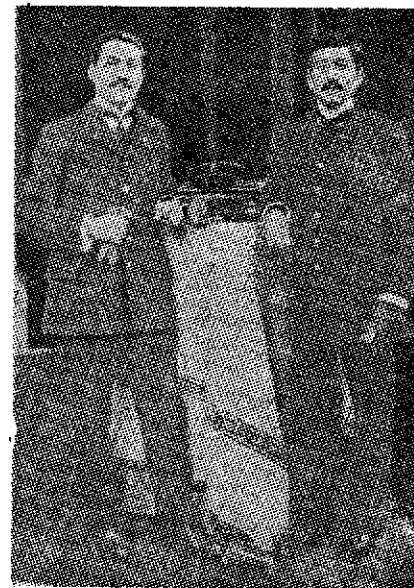
از آن جمله می‌توان در بعد داخلی به عدم وجود ثبات سیاسی در ایران، سقوط بی‌دری کابینه‌ها، بحران شدید مالی دولت، عدم وصول مالیاتها، و در بعد خارجی به وقوع جنگ جهانی اول در اروپا، اشغال ایران به وسیله دول خارجی (روسیه، انگلیس و عثمانی) و اختلال در ارتباطات بین‌المللی به واسطه وقوع جنگ، اشاره کرد. البته مسئله ارتباطات در این مورد خاص از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در زمینه ارتباطات بین‌المللی، عیسی صدیق می‌نویسد:

«اروپای شرقی و بالکان میدان کارزار بود و دولت عثمانی هم مایل به ورود در آن صحنه بود. راههای عادی بین فرانسه و ایران قطع شده بود و مکاتبه با تهران چند هفته به طول میانجامید.»^۱ از طرفی دیگر وجود مستشاران بلژیکی هم در جای خود موانعی را در این به وجود می‌آورد. «مستشاران بلژیکی بنا به میل دولت روسیه تزاری با این کار [اعزام محصلین به اروپا] مخالف بودند»^۲ دولت‌آبادی در مورد عملکرد مستشاران بلژیکی می‌نویسد: «اغتشاش مالیه که کاملاً در تحت نفوذ بلژیکیان رفته گرچه سروصورتی با داره نمودن آن داده‌اند ولی چند کرور خرج که در حقیقت فرع زیاده بر اصل میباشد و این اختیارات را قانونی که موسوم است به قانون ۲۳ جوزاء در مجلس شورایی بواسطه اعتمادی که به شوستر آمریکایی خزانه‌دار ایران داشته‌اند وضع شده و پس از انفصال قهری او بدست بلژیکیان افتاده و در تحت نفوذ روس و انگلیس درآمد از مصروف نمودن وجوه خزانه در راههایی که با سیاست آنها منافی است... خودداری نموده بمسامحه میگذرانند»^۳ و یا در مورد امور داخلی ایران از نقطه نظر سیاسی می‌نویسد: «رجال با یکدیگر اتحاد و یگانگی نداشتند و هر چند از آنان که روی کار می‌آیند مابقی بر ضد آنها برخاسته آنقدر کارشکنی میکردند که آنها را از کار بیندازند و باین سبب در ظرف یکسال پنج مرتبه کابینه وزراء تغییر کرد و هر دفعه مدتی بحرانش بطول انجامید و به این واسطه رشته امور از هم گسسته شد و شیرازه کارها پاره پاره گشت»^۴.

طبیعی است با چنین وضعیتی اجرای هرگونه طرح اساسی یا انجام اصلاحات در هر زمینه‌ای یا محکوم به شکست بود و یا اگر انجام می‌شد به نتایج مطلوبی منجر نمی‌شد.

در جامعه ایران برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های فرهنگی و علمی همواره متاثر از نوسانات و تنش‌های سیاسی در عرصه داخلی و روابط خارجی بوده است. عملکرد دولتهای پس از مشروطه نشان‌دهنده این است که هیچگاه سیاستی مستمر و برنامه‌ریزی اساسی و منسجم در زمینه رشد فرهنگ و ایجاد مراکز آموزشی و علمی و فنی صورت نپذیرفته است. جریان اعزام محصل به خارج نمونه این قضیه است. بررسی این موضوع با تکیه بر مجموعه



رضا فهیمی - محمدعلی رهنا (از محصلین دولتی) با لباس رسمی دانشسرای روان.

فرزندانشان در اروپا بودند، و نیز به دلیل نیاز روزافزونی که سازمانها و ادارات دولتی و غیردولتی به افراد متخصص داشتند، هیأت وزرا تصمیم گرفت با در نظر گرفتن کمترین فشار مالی ممکن به دولت، جریان اعزام محصل به خارج از کشور را ادامه دهد. در این زمان دولت با بحران مالی روبه‌رو بود، بنابراین در نظر داشت هزینه تحصیلی افراد را از محل حقوق خود یا اولیایشان به تصویب رساند.

هیأت وزرا در ۲ جوزای ۱۳۳۱ ق. موادی را بنابر پیشنهاد وزارت معارف و اوقاف به تصویب رسانید. در این تصویبنامه آمده است: «چون از چندی باینطرف جمعی از صاحبان حقوق از دولت تقاضا کرده‌اند و جمعی هم در صدند که دولت موجب دیوانی خود یا اطفال آنها را برای مصارف تحصیلی اولاد ایشان مقرر دارد و باین ترتیب بواسطه بعضی ملاحظات و محظورات بودجه موجب اشکالات چند شده بود، لهذا، برای رفع این اشکالات و نظر بمساعدت با محصلین و اولیایی که در صدد تربیت اطفال خود میباشند...» هیئت وزراء مواردی را تصویب کردند.

وجه مشترکی که در این مواد مشهود است، توجه به جنبه‌های مالی و اقتصادی آن است. این تصویبنامه شامل هفت ماده به این مضمون بود: «ماده (۱) محصلینی که با موجب شخصی برای تحصیل بخارجه می‌روند باید لااقل دارای تصدیقنامه رسمی از تحصیلات متوسطه بوده باشند. ماده (۲) قدراکثر مبلغی که از حقوق شخصی برای صرف تحصیل میتوان داد ششصد (۶۰۰)

نیاز به فراگیری علوم و فنون پیشرفته در اثر آشکار شدن بیش از پیش عقب‌ماندگی ایران در زمینه‌های فرهنگی و صنایع زیربنایی و نظامی و شکل‌گیری اندیشه اصلاحات اقتصادی و اجتماعی، بهره‌گیری هرچه بیشتر از دانشهای فنی و علمی کشورهای پیشرفته را ایجاب می‌کرد.

● روند اصلاحات اقتصادی، نظامی و توسعه در علوم و فنون که از جانب افرادی مانند عباس میرزا، قائم‌مقام فراهانی، میرزا تقی خان امیرکبیر و میرزا حسین خان سپهسالار شکل گرفت. لزوماً بکارگیری تجارب و دانشهای کشورهای خارجی را در پی داشت.

محرم ۱۳۲۹ ق. به تصویب مجلس شورای ملی رسید. این قانون مشتمل بر پنج ماده بود که برطبق آن وزارت معارف می‌توانست همان سال سی نفر محصل، برای تحصیل علوم و فنون به اروپا اعزام دارد. از این تعداد بیست و پنج نفر از تهران و پنج نفر از ایرانیان مقیم اروپا انتخاب شدند که با هزینه دولت ایران به تحصیل پیراژند.

به موجب ماده اول قانون مزبور، این افراد برای تحصیل در رشته‌های خاصی که مورد نیاز بود در نظر گرفته شدند. این رشته‌ها عبارت بود از: «معلمی ۱۵ نفر، سواره‌نظام ۲ نفر، پیاده‌نظام ۲ نفر، تویخانه ۲ نفر، مهندسی نظامی ۱ نفر، صاحب‌منصب اداری ۱ نفر، مدرسه فلاحیت مخصوص ابریشم ۱ نفر، فلاحیت عمومی ۱ نفر، مهندسی طرق و شوارع ۲ نفر، مدرسه حرف و صنایع ۲ نفر و شیمیست ۱ نفر.»

هزینه سفر و مخارج تحصیل سه‌ماهه ایشان با هماهنگی ابراهیم خان حکیم‌الملک وزیر مالیه و مرگان شوستر، خزانه‌دار کل فراهم و در اختیار وزارت معارف و اوقاف گذاشته شد.

محصلان ایرانی به سرپرستی مؤدب‌الملک ریشار، در ۱۳۲۹ ق به اروپا اعزام شدند. دولت ایران پس از این تاریخ به دلیل کمبودهای مالی دیگر نتوانست محصل به اروپا اعزام کند، از این رو محصلانی که در سالهای بعد برای تحصیل به اروپا رفتند یا به خرج خود، یا با کمک بسیار مختصر دولت فرستاده شدند. تا سال ۱۳۳۱ ق. وضع به همین منوال ادامه داشت، تا این که بر اثر تقاضاهای مکرر افراد مختلف که خواستار ادامه تحصیلی خود یا

● در جامعه ایران برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های فرهنگی و علمی همواره متأثر از نوسانات و تنش‌های سیاسی در عرصه داخلی و روابط خارجی بوده است.

اسنادی که در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران تحت عنوان اعزام محصل و دانشجو به خارج از کشور و کد ۸۰۰۰۵ موجود می‌باشد در نوشته حاضر انجام شده است. با توجه به اینکه اسناد این مجموعه حاوی اطلاعاتی مهم و آمار و ارقامی دقیق از محصلان، رشته تحصیلی، میزان حقوق، محل تحصیل و... است، امیدواریم استفاده از آن برای محققان تاریخ معاصر ایران سودمند افتد.

نخستین قانون اعزام محصلان ایرانی به خارج از کشور، بعد از گذشت صدوسه سال از اعزام اولین گروه محصلان در دوره قاجار، در ۱۵

● عملکرد دولتهای پس از مشروطه نشان‌دهنده این است که هیچگاه سیاستی مستمر و برنامه‌ریزی اساسی و منسجم در زمینه رشد فرهنگ و ایجاد مراکز آموزشی و علمی و فنی صورت نپذیرفته است.

تومان خواهد بود. اقساط مقرر به موجب حوالجات صادره از وزارت معارف پرداخته میشود.

ماده (۳) مدت تحصیل برای محصلین مزبور منتهی [حداکثر] ۵ سال خواهد بود و تشخیص اینمدت بسته بنظر وزارت معارف است که به نسبت اهمیت رشته تحصیلی آنرا معین نماید.

ماده (۴) برای هر سال توقف محصل در محل تحصیل معادل یک خمس از میزان مبلغ تخصیص شده از حقوق دیوانی صاحب حقوق ضبط خزانه دولت خواهد شد...^{۱۱}

به دنبال تصویب این مواد، اقداماتی برای اجرای آن به عمل آمد. برای نمونه، خزانه‌دار کل، ژوزف مرنارد، در ۱۷ جوزای همان سال با تکیه بر ماده اول تصویب‌نامه به وزارت معارف اعلام کرد، مخارج و حقوق دیوانی که باید به مصرف تحصیل برسد در صورتی پرداخت می‌شود که ورقه تحصیلی محصلان از طرف مدرسه ذریط امضا گردد.^{۱۲}

در همین زمان که تهیه مقدمات اعزام و تحصیل عده‌ای، به اروپا در جریان بود، متولی این امر یعنی وزارت معارف با مشکلات مالی محصلانی مواجه بود که قبلاً به خارج اعزام شده بودند. از این رو در نظر داشت مسأله بودجه خود را و میزان اعتبار مالی برای مخارج محصلان را مشخص سازد. پاسخ وزارت مالیه به نامه وزارت معارف در این رابطه در ۲ نور ۱۳۳۱ حائز اهمیت است، زیرا تا حدودی مسأله بودجه وزارتخانه‌ها را آشکار می‌سازد. در این نامه آمده است: «در مسئله بودجه، در ظرف همین چند روز بودجه وزارت‌خانها بهیئت وزراء عظام تقدیم می‌شود در موقعی که بودجه وزارت جلیله معارف را باید بخوانند اطلاع میدهم که معاون

آن وزارت جلیله در هیئت وزراء عظام حاضر شده توضیحات لازمه را بدهند... درباب حقوق معوقه محصلین شرح موکدی بخزانه‌داری نوشته شد که اهتمام مخصوص نموده. رفع این شکایت را بنمایند، در باب حقوق دو سه ماهه بهیچیک از وزارت‌خانها وجهی از بابت حقوق معوقه داده نشده، شاید وزارت جلیله امور خارجه وجهی باجزاء اداره مرکزی خود پرداخته باشند آنهم از بابت عایدات تذکره بوده و بغیر ترتیب پرداخته‌اند، سایر وزارت‌خانها مثل وزارت جنگ و وزارت عدلیه پنجماه و ششماه طلب دارند. البته هر قراری در کلیه داده شد اجزاء وزارت جلیله معارف را بر همه مقدم خواهم داشت».^{۱۳}

اعزام محصل به خارج از همان ابتدا دچار تنگناها و مشکلات مالی بود. در همین رابطه وزارت امور خارجه در واکنش به تاخیر در بازپرداخت اقساط محصلان دولتی، با تکیه بر تلگراف سفارت ایران در لندن، از وزارت مالیه و خزانه‌داری کل درخواست کرد که به‌طور مرتب و منظم بر این امر نظارت داشته باشد و بر این نکته تأکید کرد که «اولاً ترتیبی را که مستلزم آسایش طلاب ایران در خارجه است، نسبت بحقوق آنها همیشه مراعات باید بشود. ثانیاً در تادیه اقساط آنان در سر موعد اقل لازم است



عیسی صدیق با لباس رسمی دانشسرای ورسای ۱۲۹۰ش تا ۱۲۹۷م

اقدامی نمود که بتوانند از این جهت آسوده شده بتحصیلات مشغول باشند والا هر مخارجی از دولت داده شده و میشود، بيموقع و بيمصرف واقع خواهد شد».^{۱۴}

جنگ جهانی اول و تاثیر آن بر وضعیت محصلان

مسأله اعزام و تامین هزینه تحصیل و پرداخت حقوق معوقه و اقساط محصلان ایرانی با شروع جنگ جهانی اول، پیچیده‌تر شد و ابعاد تازه‌ای پیدا کرد. بدین معنی که هنوز وضعیت تحصیل محصلان ایرانی در اروپا سروسامان نیافته و روند تحصیلی آنان به حد مطلوب نرسیده بود که جنگ جهانی اول آن را دچار وقفه‌های اساسی کرد، زیرا در شرایطی که هرج و مرج سیاسی و بحران مالی و قحطی گریبانگیر جامعه ایران بود، تخصیص بودجه و تامین هزینه تحصیل و پرداخت اقساط محصلان ایرانی امری غیر ضروری به‌شمار می‌رفت.

ممتاز السلطنه وزیر مختار ایران در فرانسه، در رابطه با وضعیت جدید محصلان در طول جنگ، به آنها گفت: «در این گیرودار، دولت دیگر پول برای شما نمی‌فرستد یا خیلی کم و دیر می‌فرستد».^{۱۵} این بود که محصلان در نامه‌های خود به خانواده‌هایشان همواره از وخامت اوضاع و شرایط سخت زندگی شکایت می‌کردند. تنگنای مالی محصلان به‌حدی بود که تعدادی از آنها برای خود کاری پیدا کردند و در فرانسه ماندند و تعدادی هم که نه توانایی اقامت داشتند و نه شغلی برای خود یافته بودند، بناچار به ایران بازگشتند. در حالی که هنوز دوره تحصیلی خود را به پایان نرسانده بودند.^{۱۶}

با شعله‌ورتر شدن جنگ در اروپا، به دستور سفارت ایران، محصلان دولتی را در چند مدرسه خصوصی شبانه‌روزی در اطراف پاریس جای دادند.^{۱۷} زیرا جریان تحصیل آنان متوقف شده بود و اقامتشان در پاریس ضرورتی نداشت و از

● اگر جریان اعزام محصل به خارج سیر طبیعی و عادی خود را می‌پیمود، امید آن بود که تاثیرات شگرفی در رشد و توسعه فرهنگ و علوم و... به وجود آورد، اما وقفه‌هایی که در این روند پدید آمد امکان بهره‌گیری از این سرمایه‌گذاری اساسی را عقیم کرد.

طرفی دیگر، حوادث ناشی از وضعیت جنگی در فرانسه، غیرقابل پیش‌بینی و برای محصلان خطرناک بود.

گوشه‌ایی از مشکلات محصلان ایرانی در اروپا

محمدعلی جمالزاده که خود، جزو محصلان

“

• مسأله اعزام و تأمین هزینه تحصیل و پرداخت حقوق معوقه و اقساط محصلان ایرانی با شروع جنگ جهانی اول پیچیده‌تر شد و ابعاد تازه‌ای پیدا کرد.

”

اعزامی بود، در مورد وضعیت عمومی دانشجویان می‌نویسد: «دانشجویان ایرانی که در پاریس تحصیل می‌کردند (و بعضی از آنها از آن سی نفری بودند که به خرج دولت فرستاده شده بودند) بسیار بدبخت و سرگردان مانده بودند... وزیرمختار ایران به شهر برود رفته... جوانان ایرانی بی‌پار و گرسنه و بلا تکلیف مانده بودند» وی در ادامه می‌افزاید «دولت ایران که حتی قبل از جنگ هم حقوق بورسیه‌های خود را مرتب نمی‌فرستاد، بکلی بورسیه‌های خود را فراموش کرده بود.»^{۱۶}

در این زمان وضع محصلان ایرانی به شکل طاقت‌فرسایی درآمده بود. در همین رابطه وزارت معارف در هشتم سنبله همان سال در نامه‌ای به وزارت مالیه نوشت: «میتوانم یکدنبیا اظهار تاسف برای پریشانی و اضطراب شاگردان دولتی در اروپا نموده و از وضع گرفتاری آنها بموجب اسناد وارده و این پیش‌آمد ناگوار [جنگ جهانی اول] خاطر محترم عالی را مطلع و ملول نمایم ولی بجای شرح تاریخ زندگانی امروز آنها و متالم گذاشتن خاطر عالی بهتر این است، بقای حیات شاگردانرا واگذار بتوجه شخص شخص نموده خواهش کنم... بقوریت یک قسط سه ماهه آنها را اقلاً کارسازی دارد، شاید رمق تازه برای شاگردان پیدا شده و از این پریشانی و اضطراب

فوق‌الطافه خلاصی پیدا کنند.»^{۱۷}

وزارت مالیه درصدد تأمین اعتبار لازم، برای پرداخت قسط سه ماهه محصلان بود، اما بحران شدید مالی، به هیچ‌وجه اجازه چنین پرداختی را نمی‌داد.

زوزف مرنارد، خزانه‌دار کل ایران، دلایل عدم پرداخت اقساط و هزینه تحصیل محصلان را چنین بیان می‌کرد: «اولاً بی‌پولی و بحران کنونی مالیه اجازه این پرداخت را نمی‌دهد. ثانیاً بملاحظه انقطاع وسایل ارتباطیه ارسال وجه عاجلاً غیرممکن است ثالثاً مدارس بسته و تحصیل شاگردان فعلاً بتعویق افتاده است» با وجود این، به دنبال آن نوشت: «تعهد می‌کنم تا مدتی که جنگ دوام داشته باشد از محصلین همه نوع همراهی می‌شود.»^{۱۸}

علاوه بر عوامل فوق می‌توان از ناهماهنگی‌های

اداری و عدم وجود سیاست واحد در مورد محصلان و بعضاً کارشکنی‌های برخی از ادارات مربوطه نام برد. ذکر نامه هینسنس، کفیل خزانه‌داری کل، به وزارت مالیه در توضیح علت عدم پرداخت و تادیه مبالغی که باید به وزارت معارف داده شود، خالی از فایده نیست. وی می‌نویسد، صورت پرداختی‌هایی که باید به وزارت معارف داده شود به بانک شاهنشاهی حواله شده ولی بانک از تأدیه مبلغ سه فقره از آن چکها امتناع کرده است. این مبلغ در حدود ۱۳۰۶۲۰۹۵ قران بوده که از بابت حقوق برج نور «اداره مرکزی» و «مدارس» و «ملبوس مستخدمین جزو» و «مخارج محصلین» و «قیمت جایزه مدارس» حواله شده بود. وی همچنین خاطر نشان می‌کند «در صورتی هم که محلی برای تأدیه مخارج محصلین فرنگستان



یکی از ناظران با دو یاسبان دانشگاه کیمبریج

موجود شود ارسال آن تا موقعی که جنگ اروپا دوام نماید غیرممکن است.^{۱۱}

با این همه وزارت مالیه ضمن بررسی صورتحساب پنج ماهه اول سال خزانه‌داری کل و مبلغ اختصاص داده شده به وزارت معارف که بالغ بر بیست و هفت هزار و شصت تومان می‌شد، تاکید کرد که از مبلغ مذکور تقریباً شش هزار و هفتصد تومان مربوط به قسط اول محصلان است و به دلیل این که شرایط زندگی آنان در نهایت «عسرت» است، باید داده شود.^{۱۲} تلگراف صمدخان ممتازالسلطنه از پاریس که در میزان ۱۳۲۲ ق. به وزارت خارجه مخابره شده بود نشان می‌دهد تصویب نامه‌ها و تأکیدی که در این زمینه به عمل آمد، عملاً وضعیت محصلان را بهبود بخشید.

وی نخست در مورد مسأله ارتباطات توضیح می‌دهد که «پست در اغلب خطوط بهم خورده و اگر خطی هم عجله باقی باشد، ده روز طول دارد تا پاکت از لندن به بنده برسد، بنده هم تلگرافات را اغلب با تلگراف لندن می‌فرستم.» آنگاه از قول مشیرالملک، سفیر ایران در لندن، در مورد بی‌توجهی دولت به سفارتخانه‌ها، چنین نقل می‌کند: «در این موقع اولیای دولت حمایت خود را به سفارت و اتباع خود مبدل به اخبار و وعده کرده‌اند، مسئله اینست که از اوضاع اینجا اطلاع ندارند.» بی‌توجهی دولت نسبت به وضع اسفبار محصلان، باعث بروز واکنش‌هایی از طرف آنان می‌شد که از آن جمله، ورود دو تن از آنان به نامهای «عباسخان» و «سلیمانخان» در ارتش فرانسه است. این کار بدون اجازه سفارت ایران انجام شد. ممتازالسلطنه ضمن گزارش

خود در این مورد نوشت: «هرچه از بی‌بولی آنها بدولت و کسان آنها، کتباً و تلگرافاً عرض کردم، توجهی نفرمودند، تا نتیجه اینطور شد.»^{۱۳}

سفارت ایران در فرانسه به دلیل وخامت حال محصلان ایرانی، درصدد برآمد که تعدادی از آنها را به ایران بازگرداند. حدود سی نفر پیرو این سیاست محصلان بتدریج از طریق سفارت ایران در فرانسه به «اسلامبول» و «روسیه» فرستاده شدند تا از آنجا به ایران روانه شوند. عده‌ای را هم ممتازالسلطنه در اطراف پاریس به اشخاص مطمئن سپرد، ولی تعدادی از محصلان هنوز در گوشه و کنار ممالک اروپایی پراکنده بودند. این موضوع خود بخوبی بیانگر نابسامانی محصلان ایرانی می‌باشد سفیر ایران در گزارش تلگرافی خود به وزارت امور خارجه گوشه‌ای از وضع زندگی و مشکلات محصلان ایرانی را چنین شرح می‌دهد: «صد نفر در فرانسه و صد نفر محصل در سوئیس محتاج نان شب شده به توسط دولت فرانسه و سوئیس چاره‌جویی از دولت و سفارت خودشان میکنند مثل سایر دول باید دولت علیه بعنوان قرض هم شده از ایشان [محصلین] حمایت بفرمایند، جداً مستدعی است در اینموقع خیلی سخت، باخبار و وعده قناعت نفرمایند. اگر مسئولیت بزرگ نبود، اینطور عرض نمی‌کردم، خجالت میکشم تلگراف سابق را تکرار نمایم، بحال دویست نفر رحم نمائید. اقلاً پانزده هزار تومان برات تلگرافی بفرمائید... والا [اوضاع] بیشتر از اینها سخت خواهد شد» در پایان تلگراف می‌خوانیم: «بنده بوظیفه خود عمل کرده‌ام و به هزار مرافعه بهم وطنهای خود خدمت کرد [ه‌ام] دولت ایران تا امروز هنوز از سفارت و اتباع خود حمایت نکرده و همه تعجب می‌کنند.»^{۱۴}

بازگرداندن محصلان به ایران

دولت ایران در صدد بود که به نوعی این مشکل را حل کند، زیرا اقامت محصلان در خارج بیش از این به صرفه دولت نبود و از طرف دیگر توانایی تامین و تخصیص بودجه لازم برای پرداخت اقساط محصلان هم وجود نداشت. به همین منظور وثوق‌الدوله، وزیر مالیه مبلغی را برای سفارت ایران در لندن، برای پرداخت اقساط دانشجویان ارسال کرد و به دنبال آن به وزارت خارجه نوشت: «با این وجه محصلین

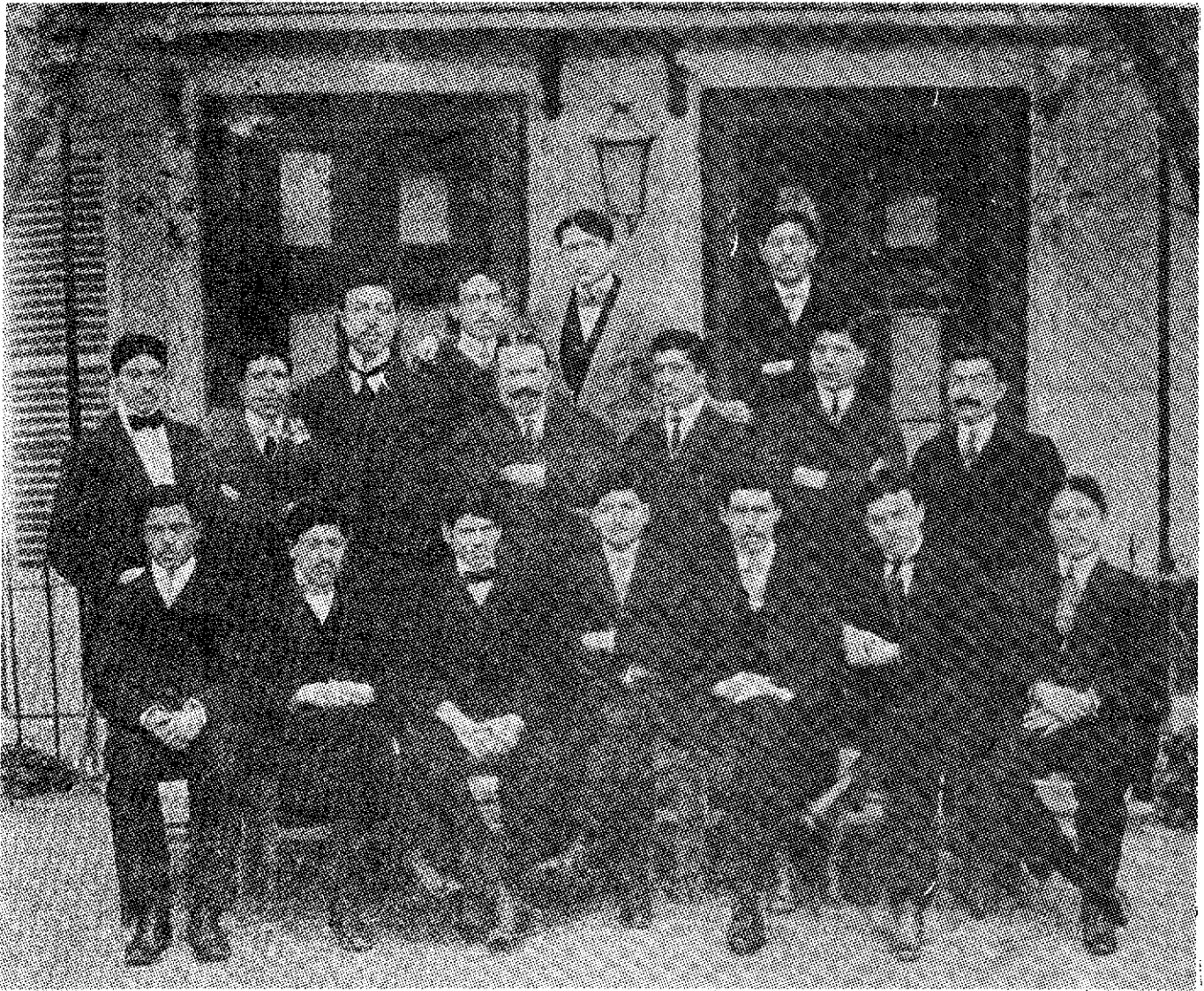
● دو تن از محصلان به نامهای عباسخان و سلیمانخان به دلیل وضعیت طاقت‌فرسای خود بدون اجازه سفارت ایران وارد ارتش فرانسه شدند.

دولتی را حرکت داده، هرچه زودتر روانه ایران نمایند تا بعد قرار تادیه مطالبات معوقه آنها داده شود.»^{۱۵}

دربی آن هیأت وزرا هم تصویب کرد دوهزار تومان از خزانه‌داری کل سریعاً در اختیار وزارت معارف گذاشته شود؛ همچنین قرار بر این شد، برای محاسبه مالی محصلان، با سفارت ایران در فرانسه مذاکره شود، تا سفارت از مدارسی که محصلان در آنها به تحصیل اشتغال داشته‌اند، تقاضا کند فعلاً خواستار وصول طلب خود نشوند تا محصلان به ایران بازگردند و به حساب آنها دقیقاً رسیدگی شود.

وزارت مالیه در مورد دستورالعمل پرداخت دوهزار تومان مصوبه هیأت دولت به خزانه‌داری نوشت این وجه «فقط برای خرج حرکت و مراجعت آنهاست و خزانه‌داری باید متوجه این نکته باشند که هر قدر این متعلمین در اروپا بمانند اسباب ضرر دولت خواهد شد و فایده هم برای آنها مترتب نیست... لازم است خزانه‌داری از هر محلی ممکن است این دوهزار تومان را بغوریت تهیه کرده... که بدون تعویق برای متعلمین فرستاده، زودتر حرکت نمایند.»^{۱۶}

مسئولیت محصلان ایرانی چه آنهایی که از بورس دولت ایران استفاده می‌کردند و چه آنهایی که به خرج خود به تحصیل اشتغال داشتند به عهده دولت ایران بود و سفارتخانه‌های ایران مستقیماً طرف حساب مدارس و دانشگاه‌های اروپایی بودند. بنابراین، هرچه در روند بازگشت محصلان وقفه ایجاد می‌شد، به ضرر دولت بود. به هر صورت مبلغ شش هزار تومان برای هزینه بازگشت محصلان در نظر گرفته شد، اما از این مبلغ تنها چهار هزار و شصت و شصت تومان به سفارت



جمعی از محصلین دولتی ایرانی در پایان تعطیل تابستان ۱۲۹۱ش/۱۹۱۲م در مدرسه تجارتهی ونسن در حومه پاریس ردیف جلو از راست به چپ: علی حکیمی - شهرتیس - علی ریاضی - عبدالله بیرزاده
 غلامعلی شبیانی - عیسی صدیق - اشرف اشرف
 ردیف وسط از راست به چپ: محمود والا - جعفر حکیمی - حبیب‌الله صحیحی - دیولاس رئیس مدرسه - سیف‌الله شهابی - غلامعلی قریب - سلیمان هدایت
 ردیف عقب از راست به چپ: محمود مرشدزاده - محمد حاتم - زمان بهنام

۱) اعزام مأموران معاودت محصلان به اروپا از جمله عواملی که روند بازگشت محصلان و حتی پرداخت اقساط آنها را دچار مشکل می‌ساخت، مشخص نبودن صورت دقیق محاسبات و اقساط آنان بود. هرکدام از آنها در نقطه‌ای از اروپا به سر می‌بردند و وضعیت آنان هم برای دولت مشخص نبود، اطلاعات دولت در این زمینه منحصر به تلگرافهای سفارتخانه‌ها بود که البته این تلگرافها نمی‌توانست دقیقاً صورت حساب، قروض، وضعیت تحصیلی و... محصلان را مشخص سازد، اگر هم این

محصلان نیز به واسطه شرایط سخت فرزندانشان، برای بازگشت آنها به ایران، به دولت فشار می‌آوردند.^{۲۴} عیسی صدیق در مورد بازگرداندن محصلان می‌نویسد: «پس از بازگشت دولت فرانسه و سفارت ایران از بردو پاریس اطلاع حاصل شد که دولت ایران سخت در مضیقه است و قادر بتادیه مخارج محصلین دولتی نیست و در نظر دارد همگی آنانرا بایران فراخواند.»^{۲۵} اما بازگرداندن محصلان هم با موانع بسیاری روبرو بود.

ایران در لندن ارسال شد. مشخص نیست چرا تمام مبلغ تعیین شده ارسال نشد، ولی قابل ذکر است که در تلگراف ممتاز السلطنه ارسال حداقل پانزده هزار تومان برای بازگشت و پرداخت اقساط محصلان پیشنهاد شده بود و حال آن که دولت ایران تنها شش هزار تومان را تصویب کرد که البته این مبلغ هم کسری قابل توجهی داشت.^{۲۵} از اسناد موجود چنین برمی‌آید که روند بازگشت محصلان بسیار کند و تعداد کسانی که به ایران بازگشتند بسیار اندک بود. خانواده‌های

اطلاعات کامل می‌شد، بازگرداندن عده‌ای محصل جوان در بحبوحه جنگ جهانی، کار چندان ساده‌ای نبود.

به همین منظور هیأت وزرا در ۱۴ حمل ۱۳۳۲ تصویب کرد که «نظر به پیش آمد جنگ امروزه اروپا و عدم ترتیب صحیحی برای تحصیل آنها [محصلان] و احتمال پاره حوادث و مخاطرات، خاصه نرسیدن مخارج تحصیل به آنها، مأمور معینی برای معاودت بایران معین و مبلغ هشت هزار تومان برای مخارج معاودت آنها از قرار نفری دوست تومان داده شود، تا پس از خاتمه جنگ در صورتیکه تحصیل هر کدام از آنها ناقص یا داوطلب تکمیل تحصیل خود باشد، پس از تصویب هیئت دولت مجدداً به اروپا مراجعت نمایند...»^{۲۸}

اعزام مأموری که بتواند، اوضاع موجود را بررسی کرده و وضعیت ناهنجار محصلان را سروسامان بخشد و آنها را به ایران بازگرداند، مسأله‌ای بود که دولت ضرورت آن را دریافته بود. به هر حال مبلغ تصویب شده که در حدود هشت هزار تومان بود، در اختیار وزارت معارف قرار گرفت. این وزارتخانه در ۵ سرطان ۱۳۳۳، به وزارت مالیه پیشنهاد کرد که برای انجام امور مالی و اداری محصلان و بازگرداندن آنها وجود «مأمور مطلع، بصیر [و] مخصوصی که همه قسم، هم طرف اعتماد و اطمینان باشد و از طهران مراجعت نماید، لازم، بل، واجب است» به همین جهت وزارت معارف دو تن از کارمندان خزانه‌داری کل یعنی علاءالسلطان فسا و میرزاسیدعلی خان نصر را به عنوان افراد با صلاحیت و مورد اطمینان معرفی کرد.

وظایف آنها، رسیدگی به محاسبات مالی محصلان، تعیین میزان طلب مدارس خارجی و همچنین بازگرداندن آنها به ایران، بود.

وزارت معارف پیشنهاد فوق را به این دلایل مطرح ساخت: «اولاً صورت محاسبات شاگردان مدارس مختلف مشخص نیست. ثانیاً بازگرداندن محصلان نیاز به وجود افرادی کارآزموده در این زمینه دارد.» در ادامه نامه چنین ارزیابی شده است: «محسنتان این ترتیب بسیار است و بیشتر آن راجع بمالیه دولت است.»^{۲۹} به دنبال تصویب این موضوع علاءالسلطان و سیدعلیخان نصر، در ۱۷ سرطان ۱۳۳۳ عازم اروپا شدند و پس از گذشت حدود

هفت ماه در ۳ دلو همان سیال به ایران بازگشتند. برای تأمین هزینه سفر و پرداخت بخشی از قروض محصلان و بازگرداندن آنان مبلغ هشت هزار تومان هنگام حرکت از تهران و دوهزار فرانک از ممتازالسلطنه وزیرمختار ایران در فرانسه و دوهزارویکصدوچهارده منات از قونسول بادکوبه به هنگام بازگشت گرفتند، همچنین هنگام ورود به خاک ایران بنا به تقاضای آنها از وزارت معارف چهارصدوینجاه تومان از طرف خزانه‌داری در رشت به میرزاسیدعلیخان پرداخت شد.

به این ترتیب کل مبلغی که این دو گرفتند بالغ بر نه هزار و هشتصد و نود و شش تومان و یکهزار و سیصد و نود دینار می‌شد. علاءالسلطان و سیدعلیخان در این مأموریت ضمن رسیدگی به محاسبات محصلان و پرداخت بخشی از قروض و اقساط آنها تعدادی از شاگردان را نیز با خود به ایران آوردند. آنها تقریباً ۵۳ روز در راه بوده‌اند. وزارت معارف در این مورد اظهار کرد: «از چهل نفر شاگرد دولتی که مقرر شده بود معاودت دهند فقط بیست نفر بایران مراجعت کرده و از این عده نه نفر همراه مأمورین بوده‌اند، سیزده نفر دیگر پول از مأمورین گرفته خودشان بایران آمده‌اند، مابقی شاگردان (هیجده نفر) بعضی را مأمورین توانستند پیدا کنند و بعضی که عده آنان با عقیده کمیسیون در ضمن صورت حساب بعرض رسیده از قراریکه مأمورین می‌گویند پولی برطبق قبوض برای مخارج راه گرفته و بایران نیامده‌اند.»

باید در نظر داشت که در شرایط بحرانی جنگ جهانی در اروپا جمع کردن محصلان که هرکدامشان در جایی بود کاری بسیار دشوار بود. برای درک وضعیت محصلان و عملکرد مأموران معاودت باید وضعیت خاص جنگی آن دوره را در نظر گرفت آنگاه وزارت معارف در مورد انجام وظیفه مأموران خاطر نشان می‌سازد: «مأمورین مشارالیهما مأمور اعاده دادن و پرداخت مخارج معاودت شاگردان بوده و مأموریت پرداخت قروض آنانرا نداشتند فقط در حکمشان نوشته شده حساب گذشته را هم تفکیک و تعیین نمایند.»^{۳۰} مأموران معاودت با دوهزار فرانکی که از وزیرمختار ایران در فرانسه به اسم قرض دولت گرفته بودند قروض برخی از شاگردان را نقداً پرداخت کردند. پس

از بازگشت مأموران معاودت به ایران و ارائه گزارش سفر خود به وزارت معارف، مسائل جدیدی طرح شد که خود به تنهایی یکی از موانع رسیدگی به امور محصلان گردید.

مهمترین مسأله اختلافی بود که در مورد مخارج سفر مأموران مطرح شد.

۲) اظهار نظر و واکنش‌های گوناگون نسبت به مأموریت مأموران معاودت

اظهار نظر وزارت معارف در این مورد و ارسال آن به هیأت وزرا جالب توجه است. در این گزارش آمده است: «خاطر مبارک مستحضر است که رسیدگی بچنین حسابی که اساس آن مبهم و غیرمعین است کار آسانی نیست، که کمیسیون نمی‌تواند داخل جزئیات محاسبه شده صحت و بطلان مخارج قلمدادی را مشخص کند و ناچار به پاره وسایل خارجی و تحقیقات متوسل گردیده... محاسبه مزبوره از بابت جمع اشکالی ندارد، فقط در تسعیر مسکوکات خارجه بیول رواج ایران فی الجمله اختلافی بوده که آنرا نیز حل کرده... صورتیکه مأمورین [برای مخارج سفر] داده‌اند خیلی فوق‌العاده است و از قرار تحقیقات که از اشخاص بصیر و با اطلاع شده نباید باین اندازه مصروف شده باشد و از طرف دیگر تعیین مخارج حقیقی هم از حیث امکان خارج است. زیرا نه شاهدی در بین است و نه دلائل و اسناد نوشته در کار که کاشف حقیقت باشد» سپس دزمورد بازگرداندن محصلان می‌نویسد: «در صورت حسابی که مأمورین داده‌اند مخارج شاگردان را در جزو سایر مخارج نوشته تفکیک نکرده‌اند. عده‌ای از شاگردان صورتی داده و در ظهر بصحت آن ملتزم شده و مخارج هریک از این نه نفر را یکصدوینجاه و شش تومان و چهار هزار و سیصد دینار مشخص کرده‌اند و از ترتیب حرکت خوردوخوراک و غیره هم شکایاتی اظهار میدارند مخارجی که مأمورین معین کرده‌اند از این مأخذها خیلی علاوه است، کمیسیون [تطبيق حوالجات] در اینموضوع از اشخاصی که مکرر مسافرت با اروپا کرده‌اند تحقیقات نموده...»^{۳۱}

علاوه بر نظر وزارت معارف، اظهار نظرهای مختلفی در این زمینه وجود داشت که بعضاً با یکدیگر متفاوت بود، با توجه به این که منابع در این زمینه بسیار اندک است به اظهار نظرهای

افرادی که خود جزو محصلان و در اروپا بوده‌اند اشاره می‌شود تا از لابلای آن و اسنادی که ارائه شود، صحت و سقم این مسئله آشکار شود. اقدامی که برای رفاه حال محصلان و بازگشت آن صورت گرفت بعدها خود یکی از موانع مهم بر سر راه بازگشت و تادیه قروض محصلان شد.

دکتر علی اکبر سیاسی در کتاب خاطرات خود می‌نویسد: «براه انداختن یک کاروان بیست نفری و گذراندن آنها از کشورهای درحال جنگ وظیفه‌ای بود، بس دشوار ولی باید گفت آنها [مأموران معاودت] از عهده آن برآمدند» وی که خود در بین محصلانی بود که به ایران آمدند، در ادامه سخن خود چنین توضیح می‌دهد: «ما از کشورهای سوئیس، اطریش، هنگری و بالکان و روسیه عبور کرده، در بادکوبه، سوار کشتی روسی شده، خود را به انزلی رساندیم.»^{۳۲}

عیسی صدیق در این مورد می‌نویسد: «در اواخر تابستان ۱۹۱۵ بود که آقایان میرزا سیدعلی خان نصر و علاء السلطنه فسا [علاء السلطان] از طرف دولت بیاریس وارد شدند تا وسایل اعاده محصلین را فراهم سازند، لدی الورود، اعلام کردند که دیگر دولت توانایی پرداخت خرج تحصیل را ندارد و همه محصلین باید بایران بازگردند، ورنه انتظار دریافت خرج تحصیل نداشته باشند. پس از رسیدگی به حسابها در مقابل مطالبات مدارس و سفارت قبض خزانه‌داری صادر کردند و هزینه مراجعت را نقد پرداختند و قرار شد در ژنو گرد آیند و از آنجا بطرف ایران رهسپار شوند.»^{۳۳} و اما اظهار نظر جمالزاده در مورد مأموران معاودت متفاوت است: «میگفتند [دولت] یک نفر را فرستاده است که بیاید بورسیه‌ها را جمع‌آوری نموده قروض آنها را بپردازد و آنها را به ایران مراجعت دهد، ولی این شخص که دارای لقبی بود که بدبختانه فراموش کرده‌ام، از قرار که می‌گفتند و جا دارد بگویم العهده‌علی‌الراوی (ولی گویا حقیقت داشت)، او از شلوغی دنیا استفاده نموده، پولهایی را که دولت ایران به او داده بود به تصرف درآورد و صلاح ندانسته بود به کار بورسیه‌ها و جوانان ایرانی رسیدگی نماید.»^{۳۴}

اظهار نظرها و موضع‌گیریهای متفاوتی که در مورد این مأموریت ابراز شد بعدها به صورت جریانی ثابت و هدفمند درآمد. برخی از

وزارتخانه‌ها و اداره‌ها نیز واکنشهایی نسبت به این مسأله از خود نشان دادند که نتیجه آن وقفه و تاخیر بیش از پیش در رسیدگی و حل مشکل محصلان ایرانی در اروپا بود. مأموران معاودت محصلان، هزینه‌های موردنیاز خود را از طریق بانک شاهنشاهی شعبه لندن تادیه، و حواله آن را به ایران فرستادند، اما وزارت مالیه از تخصیص اعتبار در این مورد استنکاف می‌ورزید این وزارتخانه در جواب نامه خزانه‌داری کل نوشت: «چنین اعتباری در وزارت مالیه برای مأمورین رسیدگی به محاسبات محصلین دولتی نیست که حواله صادر نمایند، اساساً هم اینمسلله راجع بوزارت معارف است، وزارت مالیه از قبول چنین حواله [ای] معذور است.»^{۳۵}

دولت ایران تنها بخشی از اعتبار موردنیاز را در اختیار مأموران قرارداد و مابقی را به محصلانی که قبلاً به ایران بازگشته بودند،

● ممتاز السلطنه (سفیر ایران در فرانسه): «چند نفر در فرانسه و صدنفر محصل در سوئیس محتاج نان شب شده چاره‌جویی از دولت و سفارت خودشان می‌کنند... به حال دویست نفر رحم نمایند.»

پرداخت کرد، یعنی از مبلغ هشت هزار تومان، تنها چهار هزار و پانصد تومان در اختیار مأموران گذاشته شد. این مطلب مورد اعتراض علینقی علاء السلطنه، وزیر خارجه، قرار گرفت. وی خواستار ارسال مابقی پول برای ادامه جریان بازگرداندن محصلان به ایران بود. از طرف دیگر عدم قبول حواله‌های بانک شاهنشاهی از سوی وزارت مالیه، بانک را بر آن داشت که تمام مقدار پولی را که دولت برای بازگشت محصلان فرستاده بود، بابت طلب خود بردارد، تنها دخالت اقدامات سفیر ایران در لندن باعث شد تا بانک بیش از یک قسط برداشت نکند. تخصیص اعتبار ناکافی و اقدامات پراکنده و نوعاً بدون هماهنگی با سایر ادارات، اقامت بیشتر محصلان و بالتبع افزایش بدهی آنان، روند رسیدگی به امور محصلان را کند می‌ساخت. این مسئله دارای ابعاد گوناگون و پیچیده‌ای بود که هر لحظه

مشکل جدیدی بر آن اضافه می‌گشت. تلگرافهای زیادی در این راستا لزوم پرداخت قروض محصلان از سفارتخانه‌های ایران در اروپا به وزارت امور خارجه ارسال می‌شد.

در یکی از این تلگرافها که از لندن فرستاده شد، می‌خوانیم: «اقساط عقب افتاده شاگردان دولتی لندن کی خواهد رسید، اگر اشکال در رساندن تصور میشود [باید] فوراً ترتیب مراجعت آنها را به ایران داد، وضع‌شان خیلی بد بود، بواسطه اوضاع حالیه بدتر شد.» در تلگرافی دیگر در ۲۷ حوت ۱۳۳۳ سفیر ایران می‌نویسد: «دولت اخیراً اطمینان داد که حقوق طلاب را مرتب خواهد رسانید سال نزدیک باتمام است و دو قسط آخر سال نرسیده پنجاه و یک لیره به دو قسط آخر سال باید اضافه شده برات تلگراف شود والا طلاب نمیتوانند بمانند.»^{۳۷}

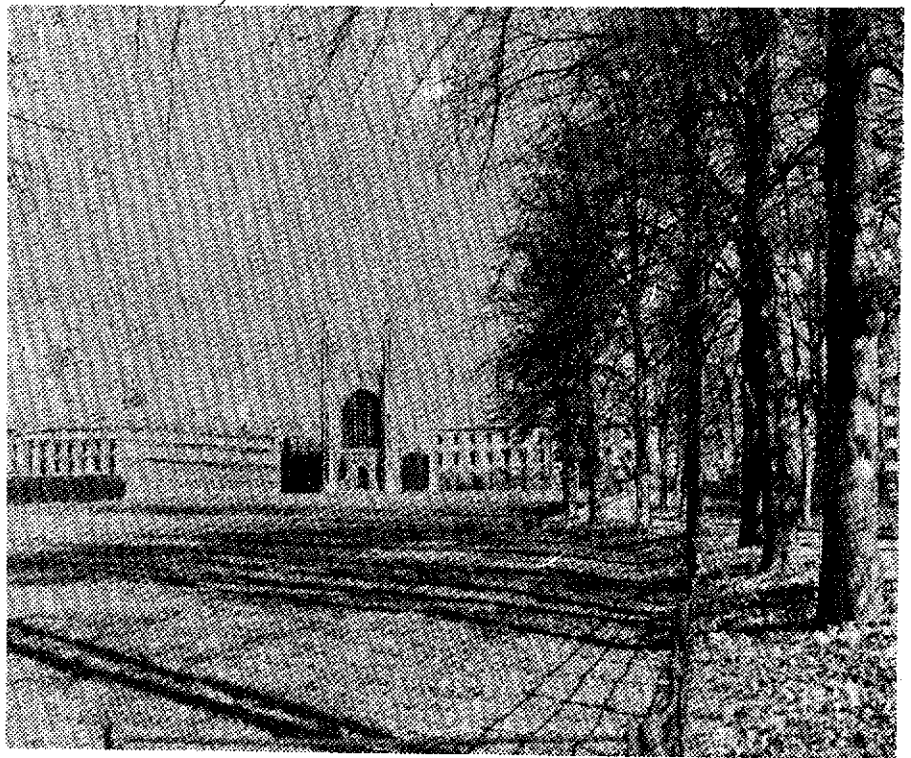
در این میان چند نفر از محصلان وارد ایران شدند و وزارت معارف اسامی آنان را به شرح ذیل برای اطلاع وزارت مالیه و برقرار کردن حقوق رسمی برای آنان، ابلاغ کرد: «رضاقلی خان، محمود میرزا، جعفر خان حکیم، علی خان حکیم، میرزا محمد علی خان رهنما، جعفر قلی میرزا، محمود خان رشتی، غلامعلی خان نصراله، سیف‌الله خان شهاب‌الممالک، قوم السلطنه، اسماعیل خان مرآت.»^{۳۸}

وزارت خارجه با تکیه بر تلگرافهای سفارتخانه ایران در لندن در این رابطه گوشزد کرد که: «طلاب را از لندن حرکت داده‌اند، وجه بروات هنوز به بانک پرداخت نشده و سفارت از این جهت فوق‌العاده به زحمت افتاده و حقیقتاً خجل و شرمند شده است و بعلاوه معلوم نیست تاخیر ایصال وجه بروات مزبوره در انظار خارجه تا چه اندازه نامقبول بوده و از اعتبار اسناد و اقوال دولتی می‌کاهد.»^{۳۹}

وزارت مالیه و برای تسریع رسیدگی به وضعیت محصلان در ۲۹ حمل ۱۳۳۴ از مأمورین معاودت خواست که صورت حساب و گزارش مأموریت خود را به وزارت مالیه ارائه دهند، آنان طی نامه‌ای چنین گزارش دادند:

«مقام منبع وزارت جلیله مالیه دامت شوکتهم - اداره محترمه محاسبات کل مملکتی با نهایت احترام لفاً دو صورت تقدیم می‌شود که اولی آنها عبارت از جوهری است که مطابق بودجه و تصویب مجلس شورای ملی و هیئت محترم وزراء

در مجموعه اسناد موجود است. وزارت مالیه دستور داد: «آقای علاءالسلطان را بنویسید، چرا پول مردم را نمی‌دهد، قدغن کنید تا حسابهای خود را تصفیه نکند چه از بابت صندوق عدلیه و چه از بابت شاگردان نباید بروند»^{۲۲}



یکی از کالج‌های دانشگاه کیمبرج

بنابراین بار دیگر صورتحساب مأموران برای بررسی مجدد مورد توجه قرار گرفت. برای سهولت کار مخارج به دو بخش تقسیم شد: «۱- مخارج مسافرت مأمورین و طلاب دولتی و پرداخت قسمتی از قروض آنها که مجموع آن بالغ بر ۹۸۹۶۷۳۹ قران می‌گردید. (با احتساب وجهی که کمیسیون در ایران و باکو دریافت نموده مبلغ ۹۳۲۳۸۱۹۰ قران از آن کسر می‌گردد و مبلغ ۵۷۴۲۷۴۹ قران طلب کمیسیون می‌شود) ۲- مخارج تحصیل محصلین از سه ماهه دوم بارس‌نیل تا آخر جدی توشقان‌نیل ۱۳۳۳ که مجموع آن بالغ بر ۱۸۶۲۱۸۱۰ قران می‌شد، اما به دلیل تفتیش و رسیدگی مأموران معاوده دانشجویان مبلغ ۳۶۵۵۶۵۰ به دولت خدمت شده است. این محاسبات بدین معنی است که

در عوض مبلغ تصویبی، کلیه بدهی دولت از بابت محصلین ایرانی در خارج ۱۴۹۶۶۱۶۰ قران میشود»^{۲۳} آشکار است که مأموران معاودت محصلان، صورت دقیق مخارج و قروض را مشخص کرده بودند و با تأذیه وجه مزبور مسأله قروض محصلان بکلی خاتمه می‌یافت، اما بنا به دلایلی که به آن خواهیم پرداخت، قضیه همچنان ناتمام باقی ماند. به دنبال این قضایا خزانه‌دار کل برای بررسی دقیقتر در ۲۵ جوزای ۱۳۳۴، صورت میزان وجوهی را که صندوق مرکزی خزانه از بابت مخارج تحصیل محصلان دولتی در اروپا پرداخت کرده بود، به وزارت مالیه ارسال کرد. این صورت به شرح ذیل است:^{۲۴}

قران	۱۸۹۱۰۴۱	«تنگوزنیل
»	۱۸۵۱۶۵۸۱۹۵	سیچقان‌نیل
»	۲۳۶۱۳۶۰۹۵	اودنیل
»	۲۱۵۱۱۰۰۵۵	بارس‌نیل
»	۱۴۶۱۷۱۷	توشقان‌نیل

این صورت و گزارش مأموران برای صدور حکم قطعی به هیأت وزرا ارسال شد. اما به این گزارش ترتیب اثر داده نشد. وزارت مالیه در پاسخ اعتلاءالسلطنه از اجزای کابینه ریاست وزرا نوشت: «خود بنده برای صدور حکم راپورت کمیسیون را خدمت جنابعالی دادم نه

حساب و گزارش مأموران معاودت از طرف وزارت معارف و وزارت مالیه آغاز شد. در اطراف این بررسی مسائلی مطرح شد که روند کار را با مشکل مواجه ساخت. از آن جمله می‌توان به ارسال عریضه‌ها و شکایات متعدد، از طرف برخی والدین محصلان از جمله عمیدهمايون حاکم انزلی^{۲۵} به وزارت معارف و وزارت مالیه اشاره کرد. آنها ادعا می‌کردند که علاءالسلطان هنگام عزیمت به اروپا، از آنها مبالغی گرفته تا در طول سفر و در اروپا به فرزندان نشان بدهد، ولی او نه تنها این پولها را به محصلان نداده بلکه در بازگشت به ایران مابقی مبلغ تنخواه را هم به صاحبانشان برنگردانده است. بعدها طبق تحقیقاتی که از سوی وزارت مالیه به عمل آمد مشخص شد که این ادعاها و شکایات بی‌اساس و واهی بوده است.

در یادداشتی که وزارت مالیه در این مورد نوشت می‌خوانیم: «عمیدهمايون تصور می‌کند در این موقع که جمعی برای تخریب آقای علاءالسلطان همدست شده‌اند، از این راه پول رفته خود را جبران کند»^{۲۶}

با این همه بر اثر تقاضای مکرر افراد مختلف در مورد رسیدگی به بدهی مأموران معاودت و شکایاتی که به عناوین مختلف وجود داشت که

عظام دامت شوکتهم می‌باشد. و تازمان حرکت طلاب از محل تحصیل حساب شده است و جمیع آن بالغ میشود به ۱۸۶۲۱۸۱۰ تومان و صورت دویمی عبارت است از وجوهی که اینجانبان پس از تفتیش رسیدگی، معین نموده‌ایم، قرض حقیقی دولت است و جمیع آن بالغ میشود به ۱۴۱۸۴۷۱۸۱۰ تومان باضافه ۱۲۴۱۹۰۷۰ تومان فرزندان شاهزاده سالارالسلطنه جمعاً می‌شود ۱۴۹۶۶۱۶۰ تومان همینکه ملاحظه میفرمائید مبلغ ۳۷۸۰۶۱۲۰ تومان خدمت بدولت علیه شده است. معین است اولیاء محترم آن وزارت جلیله اوامر سریع در پرداخت وجوه مزبوره خواهند فرمود تا هرچه زودتر قروض طلاب در خارجه پرداخته شود و حفظ احترام دولت بگردد در خاتمه لزوماً خاطر آنوزارت جلیله را مستحضر میداریم که پس از پرداخت این مبلغ چهارده هزار و کسری، دیگر دولت علیه بابت طلاب بورسیه مزبور یک دینار مقروض نخواهند بود. کار آنها تمام و ختم است، همین قسم هم اسناد لازمه ردوبدل شده و عیناً تقدیم وزارت جلیله معارف و اوقاف بضمیمه خرج مسافرت مأمورین و طلاب گشته است. امرام مبارک است.

سیدعلیخان علی‌نقی علاءالسلطان^{۲۷} پس از ارائه این گزارش، بررسی صورت

حکم را التفات فرمودید نه راپورت را و حالا لازم است هر طور لطف کنید که تاخیر آن باز اسباب تغییر حضرت اشرف می شود.»^{۲۶}

رسیدگی به محاسبات علاءالسلطان و میرزاسیدعلی خان، مشکلات جداگانه و پیچیده ای برای دولت به وجود آورد، که در نتیجه وزارت مالیه، معارف، خزانه داری کل و کمیسیون تطبیق را درگیر ساخت. دولت ایران که با شکایات و دعاوی افراد از مأموران معاودت مواجه بود، برای تعیین تکلیف محصلان و میزان دقیق محاسبات آنان به علاءالسلطان و سیدعلی خان فشار می آورد تا قضیه را از صورت ابهام خارج سازند، زیرا تاخیر در پرداخت قروض محصلان پیامدهایی را به وجود آورده بود که سبب نگرانی دولت شده بود. این موضوع هیأت وزرا را بر آن داشت که صورت و اسناد مخارج عقب افتاده و قروض محصلان را از وزارت معارف به وزارت مالیه ارسال کنند تا مورد رسیدگی قرار گیرد.

وزارت معارف نگرانی خود را از تاخیر بازپرداخت قروض چنین بیان کرد: «همه روزه مراسله بانک و مطالبه وزارتخانه های فرانسه و لندن راجع به این وجوه میرسد و از وزارت معارف مطالبه مینمایند... این قروض همه راجع باتیاج خارجه [است]، و بالاخره دولت ناچار است بپردازد» تاکید وزارت معارف به این دلیل بود که اقدام سریعی صورت گیرد تا «کار مطالبه عاقبت به خشونت از طرف مأمورین خارجه نکشد»^{۲۷} این نگرانی کاملاً مورد داشت، زیرا پس از تملل و تاخیر زیاد در پرداخت قروض، دولتهای اروپایی با توجه به شکایت بانکها و پانسیونهای محل اقامت

● دولت ایران از پرداخت هزینه تحصیل و اقساط عقب افتاده محصلان به بانک شاهنشاهی و پانسیونهای محل اقامت محصلان طفره می رفت و این امر باعث اعتراض شدید طلبکاران و فشار بسیار به سفارتخانه های ایران در فرانسه و انگلستان می شد.

محصلان، به سفارتخانه های ایران به شدت فشار می آوردند و بیم آن می رفت که اعتبار و حیثیت مالی دولت ایران بکلی از میان برود و پانسیونها و بانکهای خارجی مشکلات جدی تری را به وجود آوردند و از این طریق خسارات قابل توجهی به ایران وارد شود.

برای جلوگیری از چنین پیشامدی، کمیسیون مختلط مالیه در ۳ اسد ۱۳۳۴ ق. ضمن نگارش میزان قروض معوقه در توشقان نیل که بالغ بر ۳۵۷.۳۱۵۰ قران (۳۵۰ لیبره و ۹۵-۴۳۲۴۷ فرانک) می شد، محل پرداخت تمامی وجوه را از محل «موراتوریم رترواکتیف» یا «استمهال ماسبق»^{۲۸} تعیین کرد.

به نظر می رسید که با تصویب محل پرداخت و حواله و تأدیبه وجوه مشکل حل شود، اما بنا به دلایلی چنین نشد. یادداشت وزارت مالیه در حاشیه نامه کابینه ریاست وزرا قابل توجه است: «دو ماه است از طرف مقام ریاست وزرا به وزارت مالیه امر شد که این باقی [محاسبات علاءالسلطان] مطالعه شود و وزارت مالیه نیز حکم اجرای آن نموده، آیا پول وصول و به خزانه مسترد شده است، یا متاسفانه همان غفلت گذشته است فوری اطلاع بدهید که چون اینکار مسئولیت و مواخذه دارد، مسئولیت معلوم شود»^{۲۹} در جایی دیگر اداره محاسبات به وزارت مالیه پاسخ می دهد: «اهمال و قصور از این اداره به هیچ وجه نبود، بلکه در تبلیغ این حکم و راپورت با اداره محاسبات کل از طرف مقامات دیگر تاخیر شده است»^{۳۰} سردرگمی و ناهماهنگیهای نظام اداری و بی اطلاعی از وضعیت محصلان در این زمان به خوبی از نوشته ها و اسناد این مجموعه مشهود است. دولت ایران حتی دقیقاً اطلاع نداشت که برخی از محصلان در کجا اقامت دارند و در چه رشته ای تحصیل می کنند.

این همه در حالی بود که وضعیت محصلان ایرانی، مانند گذشته بسیار طاقت فرسا و اسفبار بود و دولت حتی در رسیدگی به محاسبات مأموران معاودت و تعیین صحت و سقم گزارش آنها دچار ابهامات فراوانی بود. سخت گیریها، مخالفتها، و موافقتهایی که بر له و علیه عملکرد مأموران در اروپا ابراز می شد بر پیچیدگی اوضاع می افزود. نتیجه قطعی این سخت گیریها فقط ایجاد وقفه در روند تحصیل و حتی بازگشت

محصلان ایرانی به ایران بود. بررسی این جریانها تا حدود زیادی به شناسایی و آگاهی ما نسبت به دستگاه اداری، عملکرد و سیاستهای دولت وقت و واکنشهای مختلف از جهات گوناگون نسبت به این قضیه کمک می کند.

در این جا به نامه ای از هینسنس، خزانه دار کل اشاره می شود که در آن آمده: «بر طبق توضیحات و اسنادیکه آقای علاءالسلطان اظهار و ارائه داده بهیچوجه از اتهامات بیموقعی که اشخاص مغرض و حسود مجاناً بمشارالیه نسبت داده اند چیزی باقی نمی ماند و ادعای عمیدهمایون [حاکم انزلی] پس از مسترد داشتن وجهی که برای معاودت طفل خود به آقای علاءالسلطان داده بود خاتمه یافت و آقای عمیدهمایون که شخص متمول و بانروتی است باین وسیله موفق گردید که فرزند خود را مجاناً بخرج شخصی آقای علاءالسلطان یا بخرج دولت بایران معاودت بدهد.» وی با تاکید بر اینکه صحت محاسبات در خزانه داری مورد تأیید واقع شده است می نویسد: «این بنده نمیداند که چگونه کمیسیون تطبیق حوالجات بر علیه مشارالیه [علاءالسلطان] خدشه در محاسبه پیدا کرده و واقعاً چنانچه این کمیسیون آقای علاءالسلطان را بده کار تصمیم می کند لازم است مراتب را بطور روشن بیان کرده و معین نماید که در کدام قسمت این محاسبه خزانه داری در موقع رسیدگی اشتباه نموده و در صورت لزوم هم مقتضی بود که اجزای خزانه داری را که متصدی رسیدگی به این محاسبه بودند بکمیسیون دعوت میکردند چرا که اظهارات مهمه کمیسیون تطبیق حوالجات بعضی از آنها را مورد سوءظن قرار میدهد و بنابراین اجزای مزبور ذی حق هستند که از حق خود دفاع و بر علیه این قبیل اقدامات اعتراض نمایند»^{۳۱} هینسنس همچنین پیشنهاد کرد هیأتی مرکب از نمایندگان وزارت معارف، وزارت مالیه، خزانه داری کل و مأموران معاودت تشکیل شود و به این هیأت اجازه داده شود گزارش خود را منتشر سازد تا اگر «مقصر و اثریکچی» از دو طرف وجود داشته باشد، شناخته شود.

در حاشیه این نامه دستخطی که در ظاهر متعلق به وزیر مالیه است وجود دارد که در آن نوشته است: «راستی بنده از حل این مشکلات که با وصف ساده گوی و آسانیش روز بروز سختتر و بغرنجتر میشود عاجزم»^{۳۲} در پی این نامه

خزانه‌داری کل در نامه‌ای دیگر به وزارت مالیه نوشت: «راپورت کمیسیون تطبیق حوالجات باز هم یکدفعه ثابت میکند که کلیه این مسائل نتیجه سعایت پار [های] مفرضین و انتریکچی‌ها است که ذهن اولیای دولت را در یک کاری که بی‌اصل و بی‌اساس است مشوب کرده‌اند... برای اینکه یک مدرک آشکاری در خصومت و طرفیت بلاسیبی که نسبت باین دو نفر اجزای خزانه‌داری اعمال شده باولیای وزارت جلیله [مالیه] داده باشم بذکر این مسئله کفایت میکنم که وزارت جلیله معارف بدون رعایت سابقه کار بکمیسیون تطبیق حوالجات اظهار میدارد که مشارالیهما [علاءالسلطان و سیدعلی‌خان] از خزانه‌داری مرخصی گرفته و عازم اروپا بوده‌اند و وزارت معارف از این عزیمت استفاده نموده و

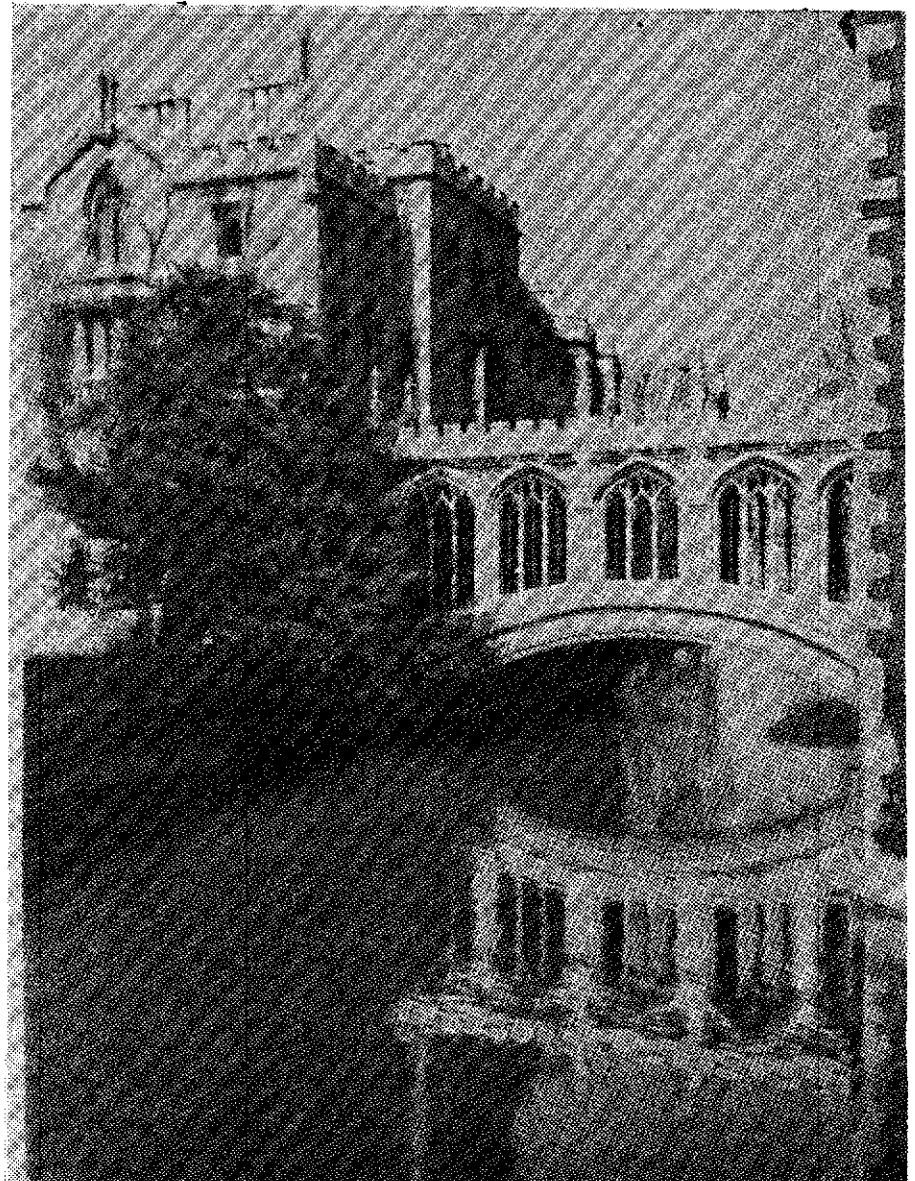
آنها را مأمور معاودت محصلین کرده است، و حال اینکه مطابق مرقومه نمره ۱۸۳۸۵ مورخ ۵ سرطان توشقان‌نیل وزارت جلیله معارف مخصوصاً از خزانه‌داری تقاضا نموده است که مشارالیهما اجازه رفتن اروپا داده شود... علاءالسلطان و میرزاسیدعلیخان بهیچ وجه در این قضیه کوتاهی نکرده‌اند... مبلغ پانصد و هفتاد و دو تومانی که طلب مشارالیهما و از قرار صدی ۲۴ قرض کرده و طلبکاران آنها همه‌روزه مطالبه میکنند باید هرچه زودتر بانها تادیه شود».^{۵۳}

۳) تشکیل هیئت منصفه برای رسیدگی به محاسبات مالی محصلان در نهایت برای رسیدن به نتیجه قطعی و رفع تردید و اعمال نظر در محاسبات مأموران

معاودت ریاست وزرا مقرر کرد هیأت منصفه‌ای مرکب از یک نماینده از کمیسیون تطبیق حوالجات، یک نفر از اداره محاسبات کل، یک نفر از خزانه‌داری کل و یک نماینده از طرف علاءالسلطان و میرزاسیدعلیخان، تشکیل شود و در محاسبه‌ای که قبلاً صورت گرفته بود تجدیدنظر به عمل آوردند و رای قطعی و نهایی خود را که برای طرفین «قطعیت کامل» داشته باشد، صادر کنند. در آغاز ادارات مربوطه موظف شدند هرچه سریعتر نمایندگان خود را معرفی نمایند،^{۵۴} اما در روند تشکیل این کمیسیون نیز کارشکنی‌هایی صورت گرفت؛ مثلاً، کمیسیون تطبیق حوالجات نه تنها نماینده‌ای به هیأت معرفی نکرد بلکه اساساً با تشکیل آن به دلیل این که «قانوناً نمی‌توان کاری را که کمیسیون تطبیق حوالجات بررسی کرده به کمیسیون دیگری ارجاع داد» مخالفت می‌کرد. دریایان نیز ادعا کرد که هیچ ابلاغی از کابینه ریاست وزرا در مورد تشکیل هیأت منصفه به این اداره نرسیده است.

جواب خزانه‌داری کل در این مورد به وزارت مالیه شایان توجه است: «... اولاً ابلاغ به کمیسیون تطبیق حوالجات رسیده بود. ثانیاً قانون اجازه چنین بررسی را داده است ثالثاً تنها حکم دیوان محاسبات قطعیت داشته و بلااستیناف می‌باشد» خزانه‌داری مدعی بود که: «کمیسیون [تطبیق حوالجات] به وهم اینکه بواسطه حاضر نشدن نماینده او هیئت منصفه در حساب مزبور رسیدگی نخواهد کرد از تعیین و اعزام نماینده استکفاف کرده است»^{۵۵}

سرانجام هیأت منصفه مرکب از ترجمان الدوله (نماینده خزانه‌داری کل)، میرزا ابوالحسن خان گرانمایه (نماینده اداره محاسبات کل مالیه) و کمال‌الوزراء (نماینده علاءالسلطان و سیدعلیخان) در ۱۱ سنبله ۱۳۳۴ ق. تشکیل و صورت محاسبات مأموران معاودت را مورد رسیدگی قرار داد. علاءالسلطان و میرزاسیدعلیخان نیز برای ادای توضیحات دعوت شدند. هیأت منصفه پس از بررسی، محاسبات مأموران را کاملاً صحیح و خالی از هرگونه اشکال برآورد کرد و اعلام کرد نه تنها آنان به هیچ مرجعی بدهکار نیستند بلکه مبلغی هم در حدود ۵۷۲/۲۴۹۰ تومان طلبکارند. همچنین همه اعتراضها و شکایت‌هایی را که در

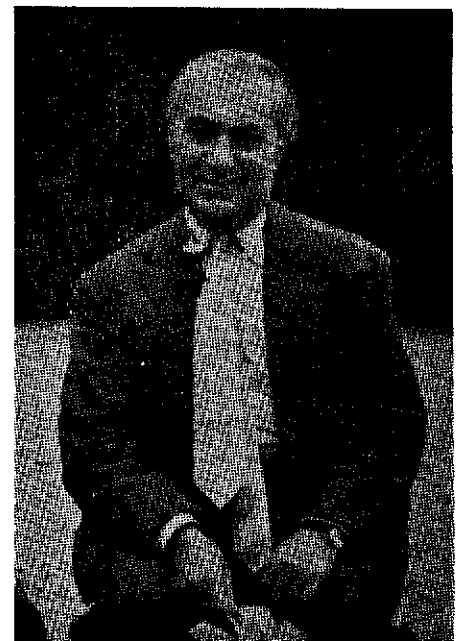


نمایی از دانشگاه کبیریح

این زمینه به وزلوت مالیه ارائه شده بود، بی اساس و ناشی از «غرض ورزیهای شخصی» اعلام کرد. در گزارش هیأت منصفه آمده است: «حسابی را که آقایان علاء السلطان و میرزاسیدعلیخان داده اند بهیچ وجه حاکی از مخارج فوق العاده یا بیقاعده نیست و اعضای این هیئت که همگی از اوضاع اروپا سابقه دارند و در ممالک فرنگستان مسافرت کرده اند خود را از تحسین و تقدیر خدمات و صرفه جویی آقایان



علی ریاضی



محمد علی جمال زاده

مأمورین ناگزیر می دانند.» هیأت مزبور در نهایت چنین رای داد: «پس از رسیدگی دقیق در این امر با نهایت بی طرفی اینطور رای میدهد که اولاً مفاسد حسابی که مسیو هینسنس مدیر سابق خزانه داری کل به آقایان علاء السلطان و میرزاسیدعلیخان داده صحیح است... ثانیاً نظر بملاحظات فوق العاده که مشارالیهما را در این مأموریت کرده، مخصوصاً بیاداش زحمتی که در این اواخر با آنها وارد شده که از طرف اولیای دولت بامتیاز مخصوص مفتخر گرداند.»^{۵۶}

کفیل خزانه داری کل در مورد رای هیأت منصفه اظهار کرد: «این اداره بدون اینکه بخواهد در مبانی نظریاتی که محرکین را بر علیه مأمورین... برانگیخته و هنوز هم برمی انگیزاند غوررسی و باین مسئله اسامی مغرضینی را که معروف هستند در اینجا تکرار کند به وظیفه اداری و حق گذاری خود اکتفا نموده و در تأیید تصمیم هیئت منصفه بعرض میرساند که در صحت تصمیم هیئت مزبوره ابدأ تردیدی نیست.»^{۵۷} نام کسانی که در کار محاسبه مأموران کارشکنی می کردند در اسناد موجود نیست و قدر مسلم اینست که وزارت معارف و کمیسیون تطبیق حوالجات در رأس مخالفان بودند. باوجود صدور رای قطعی هیأت منصفه، وزارت معارف و اوقاف و کمیسیون تطبیق حوالجات پافشاری می کردند که مأموران معاودت در حدود سه هزار تومان به دولت بدهکار هستند. پاسخ خزانه داری کل به این ادعا فقط این بود که باوجود اعلام قطعیت رای هیأت منصفه؛ قضیه هنوز خاتمه پیدا نکرده است و از هفت یا هشت ماه قبل تا به حال مشکلاتی بدون جهت و از روی «سابقه عناد و میانیت بعضی از مغرضین یا حاسدین» دامنگیر مأموران معاودت شده است. خزانه داری معتقد بود که آنها «بیچاره و مظلوم» واقع شده اند.^{۵۸}

از آن طرف وزارت معارف در توجیه نفرستادن نماینده به هیأت منصفه در ۲۵ سنبله ۱۳۳۴ به وزارت مالیه نوشت: «این مأمورین بعلاوه وجوهای دولتی از خیلی از اشخاص متفرقه برای آوردن اولاد آنها پول گرفته اند که بعضی از آنها همه روزه از وزارت معارف مطالبه می کنند، سیردم آنها را هم بوزارت مالیه رجوع کنند.»^{۵۹} نوعاً شکایاتی که به وزارت معارف فرستاده می شد فاقد اعتبار و استناد بود و این وزارتخانه برای تحت فشار قرار دادن وزارت مالیه و

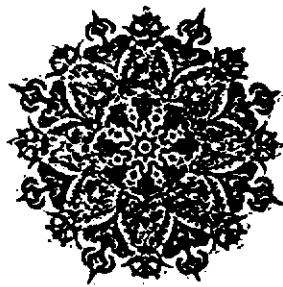
خزانه داری کل و مأموران معاودت، آنها را به وزارت مالیه ارسال می کرد. در همین رابطه علاء السلطان طی نامه ای به وزارت مالیه نوشت: «هنوز مغرضین دست برنداشته اند و روز به روز در صدد انتریک و غیره برمی آیند» شدت این تحریکات به حدی بود که وی به عنوان بست و تظلم به خانه وزیر مالیه رفت. «امروز صبح... در تاریکی کوچه ها به آستان مبارک آمدم. چون بیش از این قوه تحمل ظلمهای فاحشی که به بنده شده است ندارم، در همین آستان مبارک پناهنده ام.»^{۶۰}

مشکل دیگر وجود محصولاتی بود که از محل حقوق خود یا والدینشان در اروپا مشغول به تحصیل بودند و نمی خواستند به ایران بازگردند، اما همچنان حقوق خود را مطالبه می کردند. همچنین گروهی از محصلان پیش از برقراری قوانین جدید وزارت معارف، با حقوق خود به اروپا رفته بودند و همین امر تهیه صورت دقیق محاسبات آنها را با مشکل مواجه می ساخت.^{۶۱} اسناد بسیاری مشتمل بر تلگرافهای سفارتخانه ها و بانک شاهنشاهی در مورد وخامت اوضاع محصلان و نپرداختن قروض آنان وجود دارد. تلگرافهایی که از سفارتخانه های ایران در اروپا به تهران می رسید نشان می داد بانک شاهنشاهی برای وصول قروض محصلان سفارتخانه ها را تحت فشار قرار داده است. مشیرالملک در ۲۵ دلو ۱۳۳۴ به وزارت خارجه نوشت: «تصور نمیتوانم بکنم که دولت سند رسمی مأمورین خود را بی اعتبار کرده باشد و بیانک جواب دادم که باید استیاهی شده باشد... مستدعی است بسفارت تکلیف نفرمائید مسئول تربیت طلاب باشد.»^{۶۲} در تلگرافی دیگر می خوانیم «جداً تمنا دارم این امر را تعقیب و فوراً طلب بانک را تادیه فرمایند، راضی نشوند که اعتبار دولت بیش از این ضایع و موجب افتضاح گردد.»^{۶۳}

پس از وقفه ای نسبتاً طولانی، کمیسیون تطبیق حوالجات در ۱۱ برج دلو ۱۳۳۵ تصویب مبلغ شش هزار تومان را به صورت علی الحساب برای پرداخت قروض محصلان، به اداره محاسبات مالیه ابلاغ کرد. در این نامه کمیسیون تطبیق حوالجات ادعا کرده بود که هنوز صورت حساب دقیقی از قروض محصلان تهیه نشده است و مدارک کافی در این زمینه وجود ندارد.

ایرادهایی که کمیسیون مزبور می‌گرفت اعم از این بود که مشخص نیست شاگردا از چه تاریخ در جرگه شاگردان دولتی درآمده‌اند، چه موقع مراجعت کرده‌اند، طلب هر یک در مدت تحصیل به چه میزان بوده است و در مقابل چقدر از طرف دولت به آنها پرداخت شده است. همچنین کمیسیون از گزارش مأموران معاودت اشکال گرفته بود که: «اولاً حساب سنوات سابقه ایداً در آن مشخص نشده، ثانیاً هیچ معلوم نمی‌شود از اواسط بارس‌نیل ببعد وجهی از طرف دولت از اینبابت تادیه شده یا نه ثالثاً حساب سایر شاگردان که قبلاً معاودت کرده‌اند در آن معین نگردیده، رابعاً مبلغ سه هزار و نهصد تومان و کسری که می‌نویسند از حساب شاگردان کسر شده و خدمت بدولت کرده‌اند معلوم نیست از کدامیک از شاگردان بوده.»^{۶۲}

می‌بینیم کمیسیون تطبیق حوالجات علت اساسی تاخیر در بازپرداخت قروض و هزینه تحصیل محصلان را نفرستادن صورت دقیق محاسبات و مشخص نکردن وضعیت شاگردان ایرانی قلمداد می‌کند. در حالیکه تهیه چنین صورت دقیقی در مدت زمانی اندک و در وضعیت جنگی و پراکندگی محصلان در گوشه و کنار ممالک اروپایی بسادگی مقدور نیست. از نامه وزارت معارف آشکار می‌شود که صدور رای هیأت منصفه موردقبول واقع نشده بود و هر یک از ادارات وزارتخانه‌های ذیربط در مورد مسأله محصلان، همچنان بر دلایل و ادعاهای خود پافشاری می‌کردند. به همین دلیل تقاضای پرداخت قروض محصلان از ماه اسد تا حوت همان سال در کمیسیون مختلط به صورت تعلیق



درآمد و بدون پاسخ باقی ماند. پس از آن کمیسیون مزبور قروض محصلان را از محل وجوه «استمهال ماسبق» یا «موراتوریوم رترواکتیف» از طرف یوسف‌خان نظراًقا مستشار سفارت ایران در فرانسه به شرح ذیل اعلام کرد:

«به پول ایران	۳۵۷۵۳/۵۰	قران
به پول فرانسه	۳۸۱۹۸/۹۵	فرانک»
به پول سوئیس	۵۰۰	فرانک
به پول انگلیس	۳۵۰	لیره» ^{۶۵}

با این برآورد و کاهش قیمت فرانک و لیره، دولت تصمیم گرفت که قروض را به سرعت بپردازد. این قروض که تا آخر عقرب توشقان‌نیل ۱۳۳۵ یعنی تاریخ اتمام قطعی محاسبات شاگردان در فرانسه و سوئیس، بالغ بر ۳۲۶۸۲/۹۵ فرانک می‌شد، قرار بود بتدریج حواله شود. این حواله‌ها در وجه افراد مختلف تعیین و از طریق صمدخان ممتازالسلطنه، سفیر ایران در پاریس پرداخت می‌شد. برای نمونه حواله‌هایی در وجه غلامعلی خان شیبانی،

عیسی خان صدیق، محمدعلیخان تبریزی، و اتحادیه فرانکویرسان صادر گردید.^{۶۶} اتحادیه فرانکویرسان از جمله مؤسساتی بود که با هماهنگی سفارت ایران و پانسیونها و مدارس، تسهیلات لازم را برای تحصیل محصلان ایرانی فراهم می‌کرد فعالیت این اتحادیه با شروع جنگ جهانی اول متوقف شد و همین امر بر مشکلات محصلان در ابعاد مختلف افزود.

در تلگرافی از سفارت ایران در فرانسه می‌خوانیم «خواهشمند است در مورد طلب شرکت فرانسه و ایران که باستعانت دولت فرانسه مخارج عقب‌افتاده محصلین ایرانی را



غلامعلی شیبانی و اسماعیل مرآت (از محصلین دولتی)

صورتحساب مخارج و بدهی‌های محصلان ایرانی به افراد و پانسیونهای خارجی

اسم طلبکارها	اسامی محصلین	مبلغ	استاد مثبته
شرکت فرانسه و ایران [اتحادیه فرانکویرسان]	اشخاص مختلفه	۲۹۴۴۸/۹۵ [فرانک]	حواله بخزانه
شرکت مزبور و فرانسوی	هادیخان	۸۰۰/۰۰۰	صورتحساب
مادام مرن فرانسوی	علیخان زیرک	۴۰۰/۰۰	»
مسئودولاپولاک فرانسوی	محمدعلیخان	۸۵۸/۰۰	»
» »	سلیمانخان	۲۶۲۴/۹۵	»
مادام کورن فرانسوی	علیخان احمد	۱۳۰۰/۰۰۰	حواله بخزانه
آکادمی پاریس	»	۱۵۲/۰۰	»
مادام بک فرانسوی	»	۳۸۲	»
مادام واکتر سوئیس	ابوطالبخان	۱۲۵۰/۰۰	»
مادام میشل سوئیس		۳۷۲۱۵/۹۰۰ فرانک	
		۴۰۰۰/۰۰ قران	

تصفیه نموده، توجهی نمایند، طلب مزبور بواسطه حواله، بیست و نه هزار و چهارصد و چهل و هشت فرانک و نود و پنج سانتیم ۲۹۴۴۸٫۹۵ فرانک که وزیر مختار ایران در فرانسه با اسم رئیس شرکت فرانسه و ایران بخزانه ایران داده مصدق و ثابت است.^{۶۷}

البته پرداخت این قروض باز هم موانعی را در پی داشت و به سختی به طلبکار می رسید مثلاً در مورد اتحادیه فرانکوپرسان که با کمک دولت فرانسه مخارج عقب افتاده محصلان ایرانی را می پرداخت، و به صورت مقاطعه معامله می کرد، باید گفت که صورت محاسباتش از بین رفته و مفقود شده بود. دولت ایران با اعلام پرداخت کلیه قروض محصلان در نامه ای که به وسیله ممتاز السلطنه، علاء السلطان، سیدعلیخان و بهارنو - نایب سفارت ایران در پاریس - و امیرخان امضا شده بود، هرگونه محاسبه ای را که مربوط به مقاطعه باشد به عهده اتحادیه فرانکوپرسان گذاشت.^{۶۸} وزیر مختار ایران صورت مساعده ای را که برای تحویل و نگهداری محصلان ایران در فرانسه و سوئیس به آنها داده شده بود به ایران فرستاد که صورت آن چنین است:^{۶۹} [سند صورتحساب و بدهی های محصلان ایرانی]

این سند به خوبی نشان می دهد، محصلان ایرانی در طول مدتی که از طرف دولت ایران به آنان مساعدت و کمکی نمی شد، به چه میزان از پانسیونها و افراد مختلف مساعده گرفته بودند. با این همه تمام مطالبات مذکور پرداخت نشد و کار به جایی رسید که وزارت امور خارجه در جدی ۱۳۳۶ در نامه ای به وزارت مالیه نوشت: «... بنویسد که دولت نمی تواند اقل از محل حقوق شخصی مدیون قرض او را که از ادای آن استنکاف میوزرد وصول کند یا اینکه بنویسد وزیر مالیه حکم موکد در این باب داده اند ولی یک اداره مرنوس در اجرای آن مسامحه میکنند. خوب است آنوزارت جلیله با مراجعه بسابقه امر سریعاً نتیجه قطعی این کار را که کسر قرض علاء السلطان از حقوق و حواله آن به لندن باشد اعلام فرمایند...»^{۷۰}

کاهش قیمت ارز و تخصیص اعتبار برای پرداخت قروض محصلان

این جریان تا سال ۱۳۳۷ به طول انجامید.

نکته قابل توجه در این جا، کاهش قیمت ارز کشورهای درگیر جنگ جهانی است. دولت ایران به جای این که از این فرصت استفاده مناسب کرده و در صدد برآید که با اقدامی قاطع قروض محصلان را یکجا پردازد و از این طریق از صرف هزینه های بسیاری بکاهد، کار رسیدگی به امور محصلان را معطوف به نامه نگاریهای اداری و تشکیل کمیسیونها و جلسات کرده بود. جالب این جاست هیچ شکایتی از طرف پانسیونها و مدارس خارجی و نیز بانک شاهنشاهی در مورد صحت و سقم محاسبات مأموران معاودت وجود ندارد، بلکه شکایت آنان صرفاً به خاطر پرداخت نشدن مطالباتشان است.

در رابطه با کاهش قیمت ارز، خزانه داری کل به وزارت مالیه نوشت: «فعلاً بواسطه تنزل فوق العاده قیمت فرانک، پرداخت قروض مزبوره بی مناسبت نخواهد بود و مقدار معتناهی نفع دولت خواهد شد.» نرخ فرانک در هنگام انجام مأموریت مأموران معاودت دو قران و دو بیست دینار بود، ولی قیمت آن در زمان نگارش نامه فوق تا یک قران و یکصد دینار پایین آمده بود که این تنزل کاملاً به نفع دولت ایران بود، اما دولت به این امر توجه نکرد. در این میان کل مبلغ قروض محصلان ده هزار تومان بود، ولی به علت این که کمیسیون تطبیق حوالجات از صورت محاسبات مأموران معاودت، اطلاع دقیقی نداشت، بخشی از قروض را که بالغ بر شش هزار تومان بود پرداخت کرد، و پرداخت باقیمانده آن را منوط به

این کرد که مدارک لازم را به دست آورد. در همین رابطه وزارت معارف و اوقاف در ۱۷ میزان ۱۳۳۷ نامه ای به وزارت مالیه نوشت که قابل توجه است: «... در جلسه ۱۱ برج سنبله هیئت وزرا عظام بر حسب پیشنهاد وزارت جلیله خارجه تصویب فرموده اند طلب شرکت فرانسه و ایران از بابت مخارج محصلین دولتی فرانسه و سوئیس تادیه شود، بدیهی است وجه مزبوره تاکنون پرداخته شده است و مبلغ مزبور بالغ بر (۲۹۴۴۷) فرانک و ۹۵ سانتیم است. وزارت معارف لازم میدانند اهمیت پرداخت طلب سایر طلبکاران محصلین بلژیک و لندن و غیره را... تادیه فرمایند.»^{۷۱}

وزارت معارف دو نکته را در پرداخت سریع بدهیها ضروری می دانست. «یکی آنکه فشار طلبکاران فوق الذکر بوسیله بانک شاهی و غیره

فوق العاده اسباب زحمت شده، دومی اینکه با شایعاتی که از صلح اروپا در افواه است چنانچه اندکی تأخیر در پرداخت شود دور نیست تسعیر فرانک و لیره که معادل نصف تادیه امروزه آن صرف دولت است ترقی نموده ضرر دولت بشود.»^{۷۲}

فرجام سخن

در نهایت هیأت وزرا تصمیم گرفت مسأله طلب پانسیونها و شرکت فرانسه و ایران را با توجه به وضعیت موجود حل کند. و در تصویب نامه ای چنین تصمیمی را اتخاذ کرد از آنجائی که «برای تصدیق ورقة درخواست طلب مزبور اطلاعاتی خواسته و این اطلاعات در وزارت معارف و خزانه داری موجود نیست در جلسه بیستم عقرب ۱۲۹۷ مطابق هفتم صفر ۱۳۳۷ بموجب پیشنهاد آنوزارت جلیله هیئت وزراء تصویب نمودند که چون اسناد مثبته دیگر در دست نیست همان اسنادی را که مأموران دولتی باولیا مدارس داده است وزراة مالیه پذیرفته و جه آنرا مطابق تصویب نامه فوق از محل عایدات هذه السنه پردازند که بتوسط وزارت معارف تادیه شود»^{۷۳} چون محل پرداخت این وجوه «موراتوریم رترواکتیف» تعیین شده بود، پرداخت آن منوط به تصویب کمیسیون مختلط مالیه بود با ابلاغ تصویب نامه فوق مبلغ مزبور با وجود مخالفت های بسیاری که سابقاً کمیسیون مختلف مالیه ابراز می کرد، تصویب شد.

پانویسها:

- ۱- علی اکبر سیاسی، گزارش یک زندگی، ناشر Paka Print, Ltd, LONDON-ENGLAND
- صص ۵۸۵۲
- ۲- عیسی صدیق، یادگار عمر، تهران، ۱۳۲۸، چاپخانه سازمان سمعی و بصری هنرهای زیبای کشور، صص ۷۷
- ۳- حسین مجیبی اردکانی، تاریخ موسسات تمدنی جدید، انتشارات دانشگاه تهران، صص ۲۶۳
- ۴- یحیی دولت آبادی، حیات یحیی، انتشارات ابن سینا، ۱۳۳۰، جلد سوم، صص ۲۸۴
- ۵- یحیی دولت آبادی، همان، صص ۲۸۲
- ۶- حسین مجیبی اردکانی، همان، صص ۲۵۵
- ۷- همان، صص ۲۵۸
- ۸- همان، صص ۲۶۴
- ۹- سند شماره ۱
- ۱۰- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت مالیه، کد



صدند که دولت موجب دیوانی خود یا اطفال آنها را برای مصارف تحصیلی اولاد ایشان مقرر دارد و باین ترتیب بواسطه بعضی ملاحظات و محظورات بودجه اشکالات چند شده بود لهذا برای رفع این اشکالات و نظر بمساعدت با محصلین و اولیائی که در صدد تربیت اطفال خود میباشند هیئت وزراء در جلسه ۲۳ جمیدی الثانیه ۱۳۳۲ بموجب پیشنهاد وزارت جلیله معارف و اوقاف مواد ذیل را تصویب نمودند.

ماده (۱) - محصلینی که با موجب شخصی برای تحصیل بخارجه میروند باید لا اقل دارای تصدیقنامه رسمی از تحصیلات متوسطه بوده باشند.

ماده (۲) - قدراکثر مبلغی که از حقوق شخصی برای صرف تحصیل میتوان داد ششصد (۶۰۰) تومان خواهد بود، اقساط مقرر بموجب حوالجات صادره از وزارت معارف پرداخته میشود.

ماده (۳) - مدت تحصیل برای محصلین مزبور منتهی (۵) سال خواهد بود و تشخیص اینمدت بسته بنظر وزارت معارف است که به نسبت اهمیت رشته تحصیل آنرا معین نمایند.

ماده (۴) - برای هر سال توقف محصل در محل تحصیل معادل یک خمس از میزان تخصیص شده از حقوق دیوانی صاحب حقوق ضبط خزانه دولت خواهد شد.

ماده (۵) - اشخاصی که باین ترتیب راضی باشند باید در موقع تقاضا التزام رسمی در قبول مواد مفصله بتوسط وزارت معارف بدولت تقدیم نمایند.

ماده (۶) - مدلول فوق از ابتدای سنه اودنیل مجری و لازم الرعایه خواهد بود.

ماده (۷) - وزارت معارف و وزارت مالیه مدلول اینحکم را بموقع اجراء خواهند گذاشت تصویبنامه بامضای هیئت وزراء در کابینه ریاست وزراء ضبط است (محمدعلی) (ریاست وزراء)

سواد مطابق اصل است
[محل امضا]

گنجینه اسناد/۲۹

۴۷- همان	۸۰۰۰۵ اعزام محصل و دانشجوی به خارج از کشور.
۴۸- همان	۱۱- سند شماره ۲
۴۹- همان	۱۲- سند شماره ۳
۵۰- همان	۱۳- علی اکبر سیاسی، همان، ص ۴۸
۵۱- سند شماره ۱۴	۱۴- حسین محبوبی اردکانی، همان، ص ۳۶۲
۵۲- همان	۱۵- عیسی صدیق، همان، ص ۷۷
۵۳- سند شماره ۱۵	۱۶- رحیم رضازاده ملک، چکیده انقلاب حیدر خان
۵۴- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت مالیه، کد ۸۰۰۰۵	عمواغلی، انتشارات دنیا، ۱۳۵۲، ص ۲۱۴
۵۵- همان	۱۷- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت مالیه، کد ۸۰۰۰۵
۵۶- سند شماره ۱۶	۱۸- سند شماره ۴
۵۷- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت مالیه، کد ۸۰۰۰۵	۱۹- سند شماره ۵
۵۸- همان	۲۰- سند شماره ۶
۵۹- همان	۲۱- سند شماره ۷
۶۰- همان	۲۲- همان
۶۱- همان	۲۳- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت مالیه، کد ۸۰۰۰۵
۶۲- سند شماره ۱۷	۲۴- سند شماره ۸
۶۳- سند شماره ۱۸	۲۵- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت مالیه، کد ۸۰۰۰۵
۶۴- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت مالیه، کد ۸۰۰۰۵	۲۶- علی اکبر سیاسی، همان، ص ۴۹
۶۵- همان	۲۷- عیسی صدیق، همان، ص ۸۰
۶۶- همان	۲۸- سند شماره ۹
۶۷- همان	۲۹- سند شماره ۱۰
۶۸- سند شماره ۱۹	۳۰- سند شماره ۱۱
۶۹- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت مالیه، کد ۸۰۰۰۵	۳۱- همان
۷۰- همان	۳۲- علی اکبر سیاسی، همان، ص ۴۹
۷۱- همان	۳۳- عیسی صدیق، همان، ص ۸۰
۷۲- سند شماره ۲۰	۳۴- رحیم رضازاده ملک، همان، ص ۲۱۴
۷۳- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت مالیه، کد ۸۰۰۰۵	۳۵- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت مالیه، کد ۸۰۰۰۵
۷۴- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت مالیه، کد ۸۰۰۰۵	۳۶- سند شماره ۱۲
	۳۷- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت مالیه، کد ۸۰۰۰۵

[سند شماره ۱]

وزارت معارف و اوقاف
سواد مرقومه ریاست وزراء
بتاریخ ۲۸ جمیدی الثانیه ۲ جوزا ۱۳۳۲
نمره ۴۵۳
وزارت جلیله معارف و اوقاف
چون از چندی باینطرف جمعی از صاحبان
حقوق از دولت تقاضا کرده اند و جمعی هم در

۴۸- همان	۴۰- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد وزارت مالیه، کد ۸۰۰۰۵
۴۹- سند شماره ۱۳	۴۱- همان
	۴۲- همان
	۴۳- همان
	۴۴- همان
	۴۵- همان
	۴۶- همان

تادیه اقساط آنها در سر موعد اقساط لازم است اقدامی نمود که بتوانند از این جهت آسوده شده وبتحصیلات مشغول باشند والا هر مخارجی از دولت داده شده و میشود بيموقع و بيمصرف واقع خواهد شد بدیهی است نتیجه مطلوبه را عاجلاً اشعار خواهید فرمود که بسفارت لندن نوشته شود.

وزارت امور خارجه
[محل مهر و امضا]

[سند شماره ۴]

خزانه داری کل ۸ سنبله ۱۳۳۲ق

وزارت جلیله مالیه

در جواب مرقومه نمره (۳۱۲۹) مورخه نمره سنبله جاری مفتخرأ معروض میدارد که

اولاً بی پولی و بحران کنونی مالیه اجازه این پرداخت را نمیدهد.

ثانیاً بملاحظه انقطاع وسایل ارتباطیه ارسال وجه عاجلاً غیر ممکن است.

ثالثاً مدارس بسته و تحصیل شاگردها فعلاً بتعویق افتاده است.

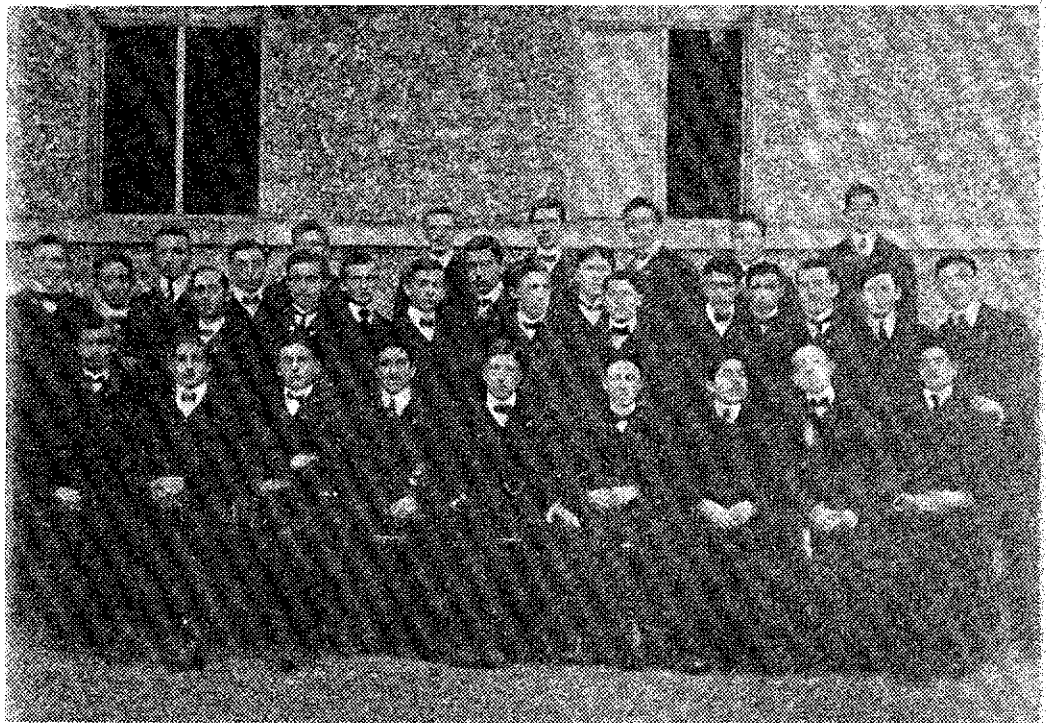
رابعاً تمهد میکنم تا مدتی که جنگ دوام داشته باشد از محصلین همه نوع همراهی میشود.

مرنارد [محل امضا]
خزانه دار کل

[سند شماره ۵]

خزانه داری کل ایران ۲۹ سنبله ۱۳۳۲
وزارت جلیله مالیه

در تعقیب مرقومه محترمه مورخه ۱۳ سنبله نمره (۳۳۸۴) مفتخرأ خاطر مبارک را بمراتب ذیل متوجه میسازد اولاً صورت پرداختهایی که در مدت پنجمه اول هذلسنه بارس نیل بوزارت معارف شده و خزانه داری ارانه داده عبارت از میزان وجوهی است که برطبق دفاتر خزانه داری حواله بانک شده است بعد از اتمام اینصورتها شعبه صندوق خزانه مطلع گردید که بانک از تادیه مبلغ سه ققره از آن چکها امتناع نموده و جمعاً بمیزان ۹۵۰۰۰۰/۱۳۰ قران را که از بابت



جمعی از محصلین کلاس سوم دانشرای ورسای (با لباس رسمی مدرسه) دوره ۱۹۱۴/۱۹۱۷

نشده شاید وزارت جلیله امور خارجه وجهی باجزاء اداره مرکزی خود پرداخته باشند آنهم از بابت عایدات تذکره بوده و بغیر ترتیب پرداخته اند سایر وزارت خانها مثل وزارت جنگ و وزارت عدلیه پنجمه و ششمه طلب دارند البته هرقراری در کلیه داده شد اجزاء وزارت جلیله معارف را بر همه مقدم خواهم داشت.

[محل مهر و امضای وزارت مالیه]

[سند شماره ۳]

وزارت امور خارجه
اداره انگلیس
وزارت جلیله مالیه

در باب حقوق متعلمین دولتی در لندن و تاخیر اقساط آنها برحسب اشعارات سفارت لندن بوزارت معارف و اوقاف شرحی نوشته شده بود جواباً اشعار داشته اند که وزارت اوقاف و معارف جز بگفتن و نوشتن مکرر بخزانه داری تکلیفی ندارد بر خزانه داری است که در ادای اقساط آنها مرتباً و منظمأ مراقبت داشته باشند لهذا زحمت میدهد که اولاً ترتیبی را که مستلزم آسایش طلاب ایرانی در خارجه است نسبت بحقوق آنها همیشه مراعات باید بشود، ثانیاً در

[سند شماره ۲]

وزارت مالیه
اداره کابینه
نمره ۱۰۹۵
به تاریخ ۲ برج
نور ۱۳۳۱

وزارت جلیله معارف

از شرح مرقومه مبسوطه نمره ۳۲۷۱ راجع بترتیب بودجه اودنیل و پرداخت حقوق محصلین فرنگ و مخارج مدارس جدید مستحضر شده اینک جواباً زحمت میدهد در مسئله بودجه در ظرف همین چند روز بودجه وزارت خانها بهیئت وزراء عظام تقدیم میشود در موقعی که بودجه وزارت جلیله معارف را باید بخوانند اطلاع میدهم که معاون آن وزارت جلیله در هیئت وزراء عظام حاضر شده توضیحات لازمه را بدهند در باب مخارج مدارس جدید هم خو بست بفرمائید زودتر شروع نمایند بهراندازه که اسناد خرج نشان بدهند مطابق اعتباریکه در بودجه منظور شده است البته وجه آن پرداخته خواهد شد در باب حقوق معوقه محصلین شرح سوکدی بخزانه داری نوشته شد که اهتمام مخصوصی نموده رفع این شکایت را بنمایند در باب حقوق دوسه ماهه هم بهیچیک از وزارت خانها وجهی از بابت حقوق معوقه داده

حقوق برج نور اداره مرکزی و مدارس و ملیوس مستخدمین جزو و مخارج محصلین و قیمت جایزه مدارس حواله شده بود نداده است، ثانیاً نظر بحالت حالیه خزانه‌داری کل حتی برای مخارج لازمه هم محل لازم را ندارد.

ثالثاً در صورتی هم که محلی برای تادیه مخارج محصلین فرنگستان موجود شود ارسال آن تا موقعی که جنگ اروپا دوام نماید غیر ممکن است.

کفیل خزانه‌داری کل
هینسنس [محل امضا]
[در حاشیه آمده است: اگر وجه حاضر شود بتوسط بانک با اطلاع وزارت معارف قرار داده شده حواله مینماید]

[سند شماره ۶]

وزارت مالیه
۱۱ سنبله ۱۳۳۲
کفیل خزانه‌داری کل

در جواب مراسله که بنمره (۱۴۷۳۹) از خزانه‌داری رسیده لزوم اشعار می‌دارد در ضمن صورت حساب که خزانه‌داری از بابت پنجمه اول سال بسوزارت مالیه فرستاده بود، بیست و هفت هزار و شصت تومان از بابت وزارت جلیله معارف قلمداد کرده است و حال آنکه چهارده هزار و هفتصد و کسری بوزارت جلیله معارف رسیده و بقیه آن تادیه نشده و از مبلغ مزبور شش هزار و هفتصد و کسری قسط اول متعلمین خارجه است و باید داده شود چون در صورت حساب مزبور خزانه‌داری قلمداد کرده و بعلاوه وضع زندگانی متعلمین هم فعلاً در خارجه معلوم است که در نهایت عسرت مییاشد لازم است فوراً قدهن نماید از بابت سه ماهه اول یک مبلغی بوزارت معارف برسانند تا بوسایلی که در نظر گرفته‌اند بشاگردان مقیم اروپا عاید دارند.

از طرف وزارت مالیه
[محل امضا]
[در حاشیه آمده است: لا اقل همین شش هزار و کسری را که جز صورت نوشته‌اند باسم متعلمین نقداً بپردازند که با اطلاع وزارت علوم بشاگردان برسد [ناخوانا] بخط وزارت پناهی است
[در حاشیه آمده است: در این خصوص گفته بودم

که آقای فهیم‌الملک با خزانه مذاکره نمایند چه شد؟]

[سند شماره ۷]

وزارت امور خارجه
اداره تحریرات دول غیر مجاوره
سواد تلگراف رمز پاریس
۱۳۳۲

تلگرافاترا مستقیماً به بردو مخابره بفرمائید چون پست در اغلب خطوط بهم خورده و اگر خطی هم عجاله باقی باشد ده روز طول دارد تا پاکت از لندن به بنده برسد. بنده هم تلگرافاترا اغلب با تلگراف لندن میفرستم، بقول آقای مشیرالملک عجب داشت که اولاً وقتی هم که جواب مرحمت میشود راه مستقیم را گذاشته مطالب سفارت پاریس را لندن مخابره میفرمائید ثانیاً در اینموقع اولیای دولت حمایت خود را بسفارت و اتباع خود مبدل به اخبار و وعده کرده‌اند، مسئله اینست که از اوضاع اینجا اطلاع ندارند.

عباسخان و سلیمان‌خان بدون اجازه داخل قشون فرانسه شدند، سلامت هستند. هرچه از بی‌پولی آنها بدولت و کسان آنها کتباً و تلگرافاً عرض کردم توجهی فرمودند تا نتیجه اینطور شد.

قریب سی نفر از ایرانی‌ها را متدرجاً اسلامبول فرستاده‌ام باقی شاگردان نظام [کلمه لاتین ناخوانا] هستند و از آنجا هم با قاسم‌خان آمدند. صدنفر در فرانسه و صدنفر محصل در سویس محتاج نان شب شده بتوسط دولت فرانسه و سویس چاره‌جویی از دولت و سفارت خودشان میکنند. مثل سایر دول باید دولت علیه بعنوان قرض هم باشد از ایشان حمایت بفرماید. جداً مستدعی است در اینموقع خیلی سخت باخبار و وعده قناعت نفرمائید، اگر مسئولیت بزرگ نبود، اینطور عرض نمی‌کردم خجالت میکشم تلگراف سابق را تکرار نمایم. بحال دوستان نفر رحم نمائید. اقلاً پانزده هزار تومان برات تلگرافی بفرمائید و دستور العمل بدهید، بعد صورت حساب داده میشود والا بیشتر از اینها سخت خواهد شد.

من جمله پسر ممتازالدوله و مخبر السلطنه و محصلین غیر نظامی دولتی در باب علیخان به

آقای مستوفی الممالک دو هفته قبل تلگراف شده است جواب نداده‌اند بیچاره با سه هزار فرانک قرض یکساله با کمال پریشانی در مدرسه گرو مانده خرجی داده و مهلت گرفته که زودتر اگر پول برسد او را هم بجای امن بفرستیم. از شاگردان بلژیک پسر ظهیرالدوله و چند نفر غیر معروف بموقع رسیدند و روانه اسلامبول شدند از دیگران خبر ندارم. مسافرت از مارسیل [مارسی] با اسلامبول هنوز ممکن است که از آنجا عازم ایران شوند. آقای ناصرالدین میرزا را همراه خود بردو آورده‌ام. محمد میرزا پسر سردار حشمت هم ایران فرستاده شد. سالارالدوله و اولادش هم و پسر آقای ناصرالملک و امیر معظم و الممالک را با جمعی روسیه فرستاده؛ نوه و برادرزاده آقای عین‌الدوله در جای امن نزدیک بنده هستند، عنداللزوم پیش خود خواهم آورد. قریب چهل نفر را اطراف پاریس باشخاص مطمئن سپرده‌ام. ولی اگر بولشان تلگرافاً نرسد بنده بوظیفه خود عمل کرده‌ام و بهزار مرافعه بهم وطنهای خود خدمت کرده. دولت ایران تا امروز هنوز از سفارت و اتباع خود حمایت نکرده و همه تعجب میکنند. وصول این تلگراف را فوراً اطلاع بدهید.

نمره ۴۰۷ دهم سپتامبر صد
سواد مطابق اصل است
[محل مهر وزارت خارجه]

[سند شماره ۸]

وزارت مالیه
۲۳ عقرب ۱۳۳۲
کفیل خزانه‌داری کل

تنخواهی که سابقاً برای خرج معاودت متعلمین اروپا تهیه شد، بواسطه اینکه بعضی از متعلمین مزبوره مراجعت کرده‌اند، از تنخواه مزبور مبلغی کسر شد، و چون بقیه آن برای خرج معاودت سایرین کافی نبود، هیئت وزراء عظام تصویب فرمودند که دوهزار تومان دیگر عاجلاً تهیه شده بتوسط وزارت علوم برای آنها فرستاده شود که زیاده از این در اروپا معطل نشوند و زودتر مراجعت نمایند و نیز برای تشخیص محاسبه آنها با مدارس اروپا قرار شده است براینکه در اینجا با سفارت مذاکره شود که عجاله مطالبه از آنها نمایند تا بعد که بایران وارد

شدند صورت حساب آنها رسیدگی شده، اگر چیزی بده کار باشند قرار تادیه آن صادر شود و عجاله این دوهزار تومان که برای تنخواه سابق ضمیمه میشود، فقط برای خرج حرکت و مراجعت آنهاست و خزانه داری باید متوجه این نکته باشند که هر قدر این متعلمین در اروپا بمانند بیشتر اسباب ضرر دولت خواهد شد و فایده هم برای آنها مترتب نیست، مثل دفعه سابق که بواسطه تاخیر تنخواه دولت مجبور شد که مبلغی خرج آنها را متحمل شود در اینصورت لازم است خزانه داری از هر محلی ممکن است این دوهزار تومان را بغوریت تهیه کرده بوزارت جلیله بپردازند که بدون تعویق برای متعلمین فرستاده زودتر حرکت نمایند منتظر اقدامات خزانه داری هستم.

[محل امضا: از طرف وزارت مالیه]

تحصیل به آنها مأمور معینی برای معاودت آنها بایران معین و مبلغ هشت هزار تومان برای مخارج معاودت آنها از قرار نفری دوست تومان داده شود تا پس از خاتمه جنگ در صورتیکه تحصیل هر کدام از آنها ناقص باشد یا داوطلب تکمیل تحصیل خود باشد، پس از تصویب هیئت دولت مجدداً بارویا مراجعت نمایند.

مطابق اصل است

[محل مهر]: کابینه ریاست وزرا

در حاشیه [کمیسیون نظارت و تفتیش مالیه] پرداخت مبلغ هشت هزار تومان مرقوم را تصویب می کند ۲۱ حمل ۱۳۳۳

[مهر و امضای کمیسیون نظارت و تفتیش مالیه]

[سند شماره ۱۰]

وزارت معارف و اوقاف

۵ سرطان توشقان نیل

۱۳۳۳

وزارت جلیله مالیه

مسئله شاگردان دولتی که در خارجه تحصیل می نمایند در این اواخر جالب اهمیت مخصوص و وقت فوق العاده اولیای وزارت معارف گشته، و بالاخره مطابق پیشنهاد این وزارتخانه، هیئت محترم وزراء تصویب فرمودند که شاگردان دولتی بکلی مراجعت بایران نمایند. مبلغ هشت هزار تومان هم که از همین بابت تصویب شده بود از خزانه داری کل دریافت شده است، ولی چون از یک طرف محاسبات شاگردان مدارسی که در آنجا تحصیل کرده و می کنند بهیچ نوع رسیدگی نشده و وزارت معارف ابتداً اطلاعی از اینبابت ندارد و لازم است که با دقت کامل رسیدگی شود و معلوم گردد فرض دولت علیه از بابت پس افتاده حقوق محصلین دولتی تا روز حرکت آنها بایران حقیقه چه مبلغ میشود، از سمت دیگر برای حرکت دادن شاگردان بنظر وزارت معارف، مأمور مطلع بصیر مخصوصی که همه قسم هم طرف اعتماد و اطمینان باشد و از طهران عزیمت نماید لازم بل واجب است، نظر با اعتمادی که این وزارتخانه به آقایان علاء السلطان و میرزاسیدعلی خان دارد و بملاحظه اطلاعات و سابقه عملی که معزالیها

در امور مالیه معارف عموماً و کار شاگردان خصوصاً وارد هستند تقاضا می شود وزارت جلیله بانها اجازه مرحمت فرمایند. قبول این خدمت را که حقیقه یک قسمت آن راجع وزارت مالیه است بنماید، دور طرف همین دوسه روزه هر چه زودتر، ممکن است عازم شوند در آنجا اولاً بحساب شاگردان فرداً فرد در مدارس رسیدگی و معین نمایند طلب هر مدرسه چه مبلغ می شود و هم شاگردان را بقسمی که مقتضی است حرکت داده بسمت ایران روانه نمایند. محسنات این ترتیب بسیار است و بیشتر آن راجع بمالیه دولت است. ضمناً معین است بخزانه داری کل مقرر خواهند فرمود مقام آقایان مشارالیهما را محفوظ دانسته چون حق دیگری از بابت این مأموریت دریافت نمی دارند همان حقوقی که تابحال از خزانه بانها داده میشده است تا سه ماه دیگر را قبلاً کارسازی نماید.

مخصوصاً تقاضا می نمایم که از طرف وزارت جلیله مالیه و خزانه داری کل هم علیحده مأموریت تفتیش و تشخیص این حساب بالخصوص به آقایان داده شود که مأموریت آنها از طرف وزارت مالیه هم رسمیت داشته باشد.

[محل مهر و امضای]: وزارت معارف

[سند فاقد تاریخ است، احتمالاً به تاریخ ۱۳۳۳ است]

[سند شماره ۱۱]

ریاست وزراء

سواد راپورت حساب آقایان علاء السلطان و میرزاسیدعلی خان که بتوسط وزارت جلیله معارف بمقام منبع ریاست وزراء عظام تقدیم شده

مقام منبع ریاست وزراء عظام دامت شوکته حسب الامر و ابلاغ وزارت جلیله معارف در تحت نمره (۳۵۳۰) کمیسیون تطبیق حوالجات بحساب آقایان علاء السلطان و میرزاسیدعلی خان مأمورین اعاده دادن شاگردان دولتی از اروپا بایران رسیدگی کرده و برای کشف حقیقت امر تحقیقات کامله از شاگردان و اشخاص دیگر نیز نموده، اینک عقیده خود را در طی این راپورت بعرض می رساند. علاء السلطان و میرزاسیدعلی خان بتاریخ ۲۶ شعبان ۱۳۳۳

[سند شماره ۹]

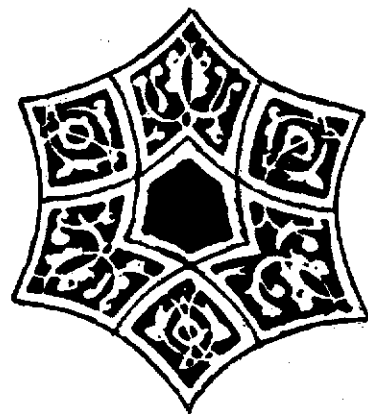
۱۴ حمل ۱۳۳۳

ریاست وزراء

نمره ۸۷

وزارت جلیله مالیه

هیئت وزراء در جلسه ۱۴ جمادی الاولی ۱۳۳۳ بموجب پیشنهاد وزارت معارف و اوقاف تصویب نمودند که چهل نفر محصلین ایرانی که حالیه در نقاط مختلفه اروپا میباشند و کلیه مخارج آنها را دولت کفالت میکنند، نظر به پیش آمد جنگ امروزه اروپا و عدم ترتیب صحیحی برای تحصیل آنها و احتمال پاره حوادث و مخاطرات، خاصه نرسیدن مخارج



مطابق با ۱۷ سرطان توشقان نیل بر حسب مأموریتی که وزارت جلیله معارف بمشارالیهما داد، از طهران حرکت کرده و در (۳) دلو بطهران مراجعت کرده‌اند و جوهی که از بابت مخارج شاگردان دولتی دریافت داشته‌اند از قرار ذیل است [عدد به سیاق].

مبلغ هشت هزار تومان هنگام حرکت در طهران گرفته‌اند و دوهزار فرانک از آقای ممتاز السلطنه وزیر مختار ایران در فرانسه دریافت نموده دوهزار و یکصد و چهارده منات و کسری از قونسول بادکوبه هنگام معاودت ماخوذ داشته‌اند



و بالاخره هنگام ورود بخاک ایران بر حسب تقاضای مأمورین از وزارت معارف مبلغ چهارصد و پنجاه تومان از طرف خزانه‌داری برات شده و در رشت بمیرزا سیدعلیخان تسلیم کرده‌اند صورت خرج قلمدادی مأمورین بالغ به نه هزار و هشتصد و نود و ششتومان و یکهزار و سیصد و نود دینار است که بعد از وضع وجوه ماخوذه خود را پانصد و هفتاد و دو تومان و دوهزار و چهارصد و نود دینار از دولت طلبکار میدانند.

لازم است قبلاً خاطر مبارک مسبق شود که اولاً از چهل نفر شاگرد دولتی که مقرر شده بود معاودت دهند فقط بیست و دو نفر بایران مراجعت کرده و از این عده نه نفر همراه مأمورین بوده‌اند سیزده نفر دیگر پول از مأمورین گرفته خودشان بایران آمده‌اند مابقی شاگردان (هیجده نفر) بعضی را مأمورین نتوانسته‌اند پیدا کنند و بعضی که عده آنان با عقیده کمیسیون در ضمن صورت حساب بعرض رسیده از قراریکه مأمورین میگویند پولی بر طبق قبوض برای

مخارج راه گرفته و بایران نیامده‌اند ثانیاً مأمورین مشارالیهما مأمور اعاده دادن و پرداخت مخارج معاودت شاگردان بوده و مأموریت پرداخت قروض آنانرا نداشته‌اند فقط در حکمشان نوشته شده حساب گذشته را هم تفکیک و تعیین نمایند، مأمورین حساب گذشته را تفکیک کرده و مطالبات طلبکاران را در روی اوراق رسمی وزارت معارف حواله بیاتک شاهنشاهی لندن و سفارتخانه‌ها و صاحبان پانسین و مبلغی هم ورقه اعتبار دست خود شاگردان که طلبکار بوده داده‌اند ولی دوهزار فرانک برای اینمصرف از وزیر مختار باسبم دولت قرض کرده از بابت قروض شاگردان نقداً داده‌اند، رسیدگی بحساب قروض شاگردان در تحت نظر کمیسیون است و قریباً اتمام می‌پذیرد، اما از بابت حساب وجوه نقدی که خود مأمورین صورت داده‌اند هر چند مخارج خود را تفکیک نکرده معذالک معلوم است مخارجی فوق العاده برای خود قلمداد نموده‌اند در دوسیه وزارت معارف هم چیزیکه از قرارداد مابین وزارتخانه و مأمورین از بابت مخارج خود مأمورین باشد بنظر نرسید، همین قدر دوسیه حاکی است که وزارت معارف مخارج شاگردانرا که چهل نفر بوده‌اند یکی دویست تومان تخمین و برآورد کرد و هشت هزار تومان از اینبابت وجه به مأمورین قبل از حرکت آنها داد تعیین این امر از وظیفه کمیسیون خارج و با اولیای دولت است. هرگاه بنا باشد مخارج مسافرت بمشارالیهما مرحمت شود مبلغی را که کمیسیون برای این امر در نظر گرفته و در ذیل بعرض میرسد منصفانه است و کمیسیون تصور میکند اگر بیش از این خرج نموده باشند اسراف کرده‌اند. خاطر مبارک مستحضر است که رسیدگی بچنین حسابی که اساس آن مبهم و غیر معین است کار آسانی نیست که کمیسیون نمی‌تواند داخل در جزئیات محاسبه شده صحت و بطلان مخارج قلمدادی مأمورین را مشخص کند و ناچار به پاره و سایل خارجی و تحقیقات متوسل گردیده ذیلاً نظریات کمیسیون بعرض میرسد.

محاسبه مزبوره از بابت جمع اشکالی ندارد فقط در تسعیر مسکوکات خارج بیول رواج ایران فی الجمله اختلافی بوده که آنرا نیز حل کرده در طی محاسبه معروض میدارد از بابت خرج این حساب بچهار قسمت تقسیم میشود اول

مخارج مأمورین از بدو عزیمت تا ورود بنقاط مقصوده، دویم مخارج ایام توقف آنان در اروپا، سیم مخارج مراجعتشان با نه نفر شاگرد که همراه آورده‌اند، چهارم وجوهی که بشاگردان برای مخارج راه داده‌اند و وجوه نقدیکه از بابت قروض سابقه شاگردان هم پرداخته‌اند در فقره اول (مخارج ذهاب مأمورین) چنانچه دولت بخواهد وجهی از بابت مخارج راه بمأمورین بدهد صورتیکه مأمورین داده‌اند خیلی فوق العاده است و از قرار تحقیقاتی که از اشخاص بصیر و با اطلاع شده نباید باین اندازه مصروف شده باشد و از طرف دیگر تعیین مخارج حقیقی هم از حیث امکان خارج است زیرا نه شاهدی در بین است و نه دلائل و اسناد نوشته در کار که کاشف حقیقت باشد عقیده کمیسیون این است که دولت بهر یک از این دو فقره دویست تومان برای مخارج ذهاب اعطا فرماید و این مبلغ منصفانه است و نظر باینکه قبل از عزیمت پاره مخارج را از قبیل کرایه درشکه در طبع اوراق اعتبار متحمل شده‌اند کمتر از این مأخذ را نمی‌توان قرار داد، دیگر بسته بنظر اولیای امور است.

از بابت فقره دویم (مخارج ایام توقف) هم از قرار تحقیقات از خارج و داخل مخارج یک نفر مسافر عادی در مدت توقف در یکی از شهرهای اروپا روزی دوتومان الی دوتومان و پنجهزار است ولی چون مأمورین غالباً در حرکت و گردش و جمع‌آوری شاگردان و مجبور بمسافرت لندن و سویس و نواحی و ایالات فرانسه و اطریش و آلمان بوده‌اند، بدیهی است مخارج آنها زیادتر بوده و نظر کمیسیون این است. مطوعاً برای قیمت مخابرات و تبر پستی که جداگانه بخرج منظور شده روزی چهار تومان و پنجهزار برای هریک از مأمورین در هنگام توقف آنها در اروپا که مدت آن مشخص شده و در حساب بنظر مبارک میرسد دولت اعطا فرماید در فقره سوم (مخارج معاودت دادن نه نفر شاگردی که همراه آورده‌اند) در صورت حسابی که مأمورین داده‌اند مخارج شاگردان را جزو سایر مخارج نوشته تفکیک نکرده‌اند. عده از شاگردان و صورتی داده و در ظهر بصحت آن ملتزم شده و مخارج هریک از این سه نفر را یکصد و پنجاه و ششتومان و چهار هزار و سیصد دینار مشخص کرده‌اند و از ترتیب حرکت خورد و خوراک و غیره هم شکایتی اظهار می‌دارند

مخارجی که مأمورین معین کرده‌اند از این مأخذها خیلی علاوه است کمیسیون در اینموضوع از اشخاصی که مکرر مسافرت بااروپا کرده‌اند تحقیقات نموده که بعضی از آنان مخصوصاً شاگردانی هم از اروپا بایران سابقاً و لاحقاً حتی در همان اوقات معاودت داده‌اند پس از دقت کامل معلوم شد که مخارج عادیه یکنفر مسافر در صورتی که آبرومندانه حرکت کند و در ترن‌ها در درجه دوم سوار شده خوابگاه داشته باشد در هنگام عادی (قبل از جنگ) نهایت یکصد و بیست تومان است و در ایام جنگ بواسطه اینکه کرایه ترن در بعضی از نقاط فرنگ و کرایه منازل و خوراک نسبت بسابق زیادتر شد. (هرچند کسر قیمت بلیطهای بانکی خارجه نسبت بیول ایران تا یکدرجه جبران این تفاوت را می‌نماید) یکصد و هشتاد الی یکصد و هشتاد و دو تومان است با این حال چون مسافرت این مسافرین فوق‌العاده طول کشیده و پنجاه و دو سه روز در بین راه بوده‌اند کمیسیون چنین صلاح ندانست که مخارج هریک از مأمورین (در صورتیکه دولت اعطا فرماید) و شاگردان که همراه بوده‌اند دوست تومان تعیین کند و اینمبلغ همان مبلغی است که قبلاً وزارت معارف در نظر گرفته و همان مبلغی است که مأمورین به بعضی از شاگردان که خودشان متوقعاً پول گرفته بایران آمده پرداخته‌اند (یا مبلغی کمتر از این مأخذ هم داده شده ولی زیادتر از اینمبلغ بهیچیک نداده‌اند) در فقره چهارم شاگردانی که پول گرفته خودشان مصمم حرکت شده‌اند) وجوهیکه بشاگردان داده شده تمام بر طبق قبض است و تمام قبوض بخرج منظور شده فقط قبوض مردود اولاً دو فقره حواله‌ایست که میگویند آقای ممتاز السلطنه وزیر مختار فرانسه داده که بدو نفر شاگرد دولتی بیردازند چون قبض رسید شاگرد را هم در ظهر ندارد نمیتوان این را صحیح دانست بعلاوه این حواله‌ها از بابت قروض سابقه شاگردان است و چنانچه قبلاً بعرض رسید مأمورین حق پرداخت قروض سابقه شاگردانرا نداشته‌اند فقط دوهزار فرانک از وزیر مختار فرانسه برای قروض شاگردان گرفته‌اند و مقابل آن دوهزار و کسری از اینبابت پرداخته‌اند که کمیسیون پذیرفت دیگر در صورتیکه این حواله‌جات دارای قبض رسید شاگردی که حواله یادشده هم میبود ممکن نبود در حساب وجوه

نقدی دولتی بخرج بیاید ثانیاً یکفقره چهار صد و سوسی و شش فرانک و کسری دعوی مأمورین بود که خرج شده و سند خرج آن فقط صورت حسابی که میگویند مدیر مدرسه و یکتر [ویکتور] هوگو در لیون نوشته و از آن اظهار میدارد که چهار صد و سوسی و شش فرانک پنجاه سانتیم تمهه طلب شما را به حبیب‌اله پرداختم ادعای مأمورین این است که اینمبلغ از بابت مخارج از لیون تا دیژن دو نفر شاگرد دولتی که در تحت کفالت حبیب‌اله خان بدیزن آمده ملحق به مأمورین و سایر شاگردان شده‌اند مصروف شده ولی چون نه صورت حسابی در کار است و نه قبض رسیدی از حبیب‌اله خان که فعلاً در فرنگ است بنظر میرسد کمیسیون نتوانست این مبلغ را قبول کند ثالثاً یک فقره قبض از بابت عینک احمدخان اردشیر که یک لیره و پنج شلینگ است و یکفقره سه لیره و سه شلیک [شلینگ] قبض غلامحسینخان جهت کرایه حمل بنه و اسباب که دو نفر شاگردان دولتی ۲۷ لیره مخارج مسافرت خود را تماماً بموجب قبض گرفته‌اند بلکه حساب گذشته آنها هم تفریح و حواله بیانک داده شده در اینصورت دلیلی نداشته که مأمورین بالاخصاص چیزی از بابت پول عینک یا کرایه حمل بنه و اسباب به آنها علاوه بر دیگران بدهند و چون خرج بیهوده کرده‌اند دولت مسئول آن نیست بلکه باید شخصاً استرداد نمایند یک فقره دیگر هم که لازم است در خاتمه عرض شود این است که مأمورین خرج آقای میرزا علی اکبرخان بهمین را در جزو حساب خود آورده‌اند در صورتیکه مشارالیه هشتصد فرانک پول از آنها گرفته که خودش شخصاً بایران بیاید و یکمصد فرانک هم از بابت طلب سابق خود دریافت داشته و بعد در بین راه ملحق به مأمورین شده و از بابت خرج خود پولی داده که مأمورین پول را در جمع خود نوشته‌اند چون این مسئله بنظر خارج از ترتیب می‌آید کمیسیون دقت و رسیدگی خود را مداومت داد بالاخره از استنطاقات و مذاکراتی که با حضور مأمورین و میرزا علی اکبرخان بهمین بعمل آمد معلوم شد مشارالیه مانند سایر شاگردان که پول گرفته که بطهران بیاید و بعد در بین راه با مأمورین تصادف کرده و مخارج او را مأمورین متحمل شده‌اند و از اینبابت چهار صد و پنجاه فرانک بمأمورین پرداخته و بالاخره در بادکوبه حساب خود را با

یکدیگر تفریح کرده‌اند با اینحال نوشتن مخارج او بحساب دولتی صورتی نداشته وجهی هم که مأمورین از او گرفته‌اند نباید بجمع نوشته شود در واقع مأمورین مثل این است که یکنفر مسافر عادی را از فرنگ بایران آورده و مخارج او را گرفته‌اند در موقع تفریح با یکدیگر حساب خود را مفروغ نموده باشند فرضاً اگر از اینها منافعی عایدشان شده یا ضرری تحمل کرده‌اند ربطی بدولت ندارد و نتیجه عمل شخصی و از وظیفه مأموریتی آنها خارج است.

خلاصه جمع و خرج حساب آقایان علاءالسلطان و میرزا سیدعلیخان از بابت وجوه مأخوذی جهت مخارج معاودت دادن محصلین دولتی از اروپا [خط سیاق]

چنانچه هیئت محترم وزرای عظام از بابت مخارج آقایان علاءالسلطان و میرزا سیدعلیخان از تاریخ ۱۷ برج سرطان حرکت از طهران الی (۳) برج دلو که مرجعت کرده‌اند بشرحی که در راپورت عرض شده تصویب فرمایند مأخذی که کمیسیون در نظر گرفته ذیلاً بعرض میرساند دیگر بسته بنظر دولت است که اگر قبول فرمایند بخرج منظور میشود والا میزان فوق باقی مأمورین است [خط سیاق]

[سند شماره ۱۲]

ریاست وزراء ۲۰ حمل ۱۳۳۳

وزارت جلیله مالیه

مبلغ چهار هزار و پانصد تومان برای مخارج مراجعت محصلین دولتی از فرنگستان بایران بوزارت جلیله معارف بیردازید. تصویب‌نامه بامضای هیئت وزراء در کابینه ریاست وزراء ضبط است. و این مبلغ از بابت هشت هزار تومانی است که در جلسه ۱۴ جمادی الاولی ۱۳۳۳ هیئت وزراء برای مراجعت محصلین ایرانی از اروپا تصویب نموده‌اند که از آن مبلغ فقط سه هزار و پانصد تومان باقی میماند.

[امضا و مهر ریاست وزراء]

[در حاشیه آمده است: کمیسیون نظارت و تفتیش مبلغ چهار هزار و پانصد تومان مخارج مرقوم را تصویب می‌کند. بتاريخ ۲۱ حمل ۱۳۳۳]

[مهر و امضای کمیسیون نظارت و تفتیش]



[سند شماره ۱۳]

وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

۳ جمادی الثانیه ۱۳۳۴

وزارت جلیله مالیه

با همه اقداماتی که از طرف دولت در باب ایصال قروض در پرداخت محاسبات طلاب دولتی در موقع رجعت آنها از لندن بایران معمول گردیده مجدداً شرح مفصلی از سفارت لندن بوزارت خارجه رسیده که در آنموقع بانک را با چه زحماتی برای قبول کردن بروات خزانه داری حاضر و اقناع نموده طلاب را از لندن حرکت داده اند و وجه بروات هنوز بیانک پرداخته نشده و سفارت معزی ایها فوق العاده بزحمت افتاده و حقیقه خجل و شرمنده شده است، بعلاوه معلوم است تاخیر ایصال وجه بروات مزبوره در انتظار خارجه تا چه حد اندازه نامقبول بوده و از اعتبار اسناد و اقوال دولتی میکاهد، سواد مشروحه مزبوره را تلواً ارسال داشته مخصوصاً متمنی است که در اینمورد توجه کاملی میدول و فوراً قدغن فرمایند وجه تقد قبول نموده است پردازند که پیش از این مذاکره اینمسئله بطول بینجامیده و سفارت لندن از مطالبه بانک و انفعال از این وضع مرفه گردد.

[محل امضا و مهر]: وزارت امور خارجه

در حاشیه آمده است:

[در موضوع این کاغذ هم گمان نمیرود دولت بتواند قبل از رسیدگی بحساب کمیسیون قراری اتخاذ نماید]

[سند شماره ۱۴]

خزانه داری کل ایران

نمره ۶۷۷۳

۲۵ اسد ۱۳۳۴

مقام منبع وزارت جلیله مالیه

در جواب مرقومه محترمه مورخه ۷ سرطان گذشته نمره (۱۰۱۴۸/۲۷۶۶) محترماً اشعار میدارد که برطبق توضیحات و اسناد که آقای علاءالسلطان اظهار و ارائه داده بهیچوجه از اتهامات بیموقعی که اشخاص مغرض و حسود مجاناً بمشارالیه نسبت داده اند چیزی باقی نماند و ادعای عمید همایون پس از مسترد داشتن وجهی که برای معاودت طفل خود به آقای علاءالسلطان داده بود، خاتمه یافت و آقای عمید همایون که شخص متمول و باثروتی است، باین وسیله موفق گردید که فرزند خود را مجاناً بخرج شخص آقای علاءالسلطان یا بخرج دولت بایران معاودت بدهد. راجع بمحاسبه مخارج معاودت محصلین دولتی هم محاسبه مزبوره مدتی است در اداره خزانه داری کل رسیدگی و صحت آن معلوم و مناصحاحساب به آقای علاءالسلطان داده شده است. بنابراین این بنده نمیداند چگونه کمیسیون تطبیق حوالجات بر علیه مشارالیه خدشه در محاسبه پیدا کرده و واقعاً چنانچه این کمیسیون آقای علاءالسلطان را بده کار تصمیم میکنند لازم است، مراتب را بطور روشن بیان کرده و معین نماید که در کدام قسمت این محاسبه خزانه داری در موقع رسیدگی اشتباه نموده در صورت لزوم هم مقتضی که اجزای خزانه داری را که متصدی رسیدگی باین محاسبه بودند بکمیسیون دعوت میکردند چرا که اظهارات مبهمه کمیسیون تطبیق حوالجات بعضی از آنها را مورد سوءظن قرار میدهد و بنابراین اجزای مزبوره ذی حق هستند که از خود دفاع و بر علیه این قبیل اقدامات اعتراض نمایند. چنانچه بالاخره به این ترتیب هم موفقیت حاصل نشود باید مراتب را به کمیسیونی که مرکب از یکنفر نماینده آقای علاءالسلطان و یکنفر نماینده وزارت معارف و یکنفر نماینده وزارت تجلیله مالیه و یکنفر نماینده اداره خزانه داری کل باشد رجوع نموده و بکمیسیون مزبور باید اجازه داد که راپورت خود را طبع و منتشر نماید تا اگر مقصر و انتریکچی از هر یک از دو طرف در میان باشد شناخته شود.

چنانچه باین رویه روشن و صحیح رفتار نشود، این بنده بلاتردید اظهار خواهد داشت که اتهاماتی که به آقای علاءالسلطان داده شده کاملاً عاری از صحت است و برائت ذمه این مستخدم دولتی که سالهای دراز بخوبی بدولت خدمت

کرده است باید شناخته شده و بزودی بخدمت سابق خود مراجعت کند، یا اینکه خدمت محترمانه دیگری که متناسب با مقام او باشد باو محول گردد.

مدیرکل گمرکات و خزانه داری کل

[محل امضای]: هینسنس

[در حاشیه آمده است: دایره محاسبات راستی بنده از حل این مشکلات که با وصف ساده گی و آسانش روز بروز سختتر و بغرنجتر میشود عاجزما]

[سند شماره ۱۵]

خزانه داری کل

اداره دارالانشاء

نمره ۷۱۶۵

مقام منبع وزارت جلیله مالیه دامت شوکته

در جواب مرقومه نمره (۱۳۶۶۳) مورخه نوزدهم اسد جاری محترماً اشعار میدارد که راپورت کمیسیون تطبیق حوالجات باز هم یکدفعه ثابت میکند که کلیه این مسائل نتیجه سعایت پاره مغرضین و انتریکچی ها است که ذهن اولیای دولت را در یک کاری که بی اصل و بی اساس است مشوب کرده اند و بطوریکه البته ملاحظه خواهند فرمود مرقومه نمره (۱۰۱۴۸/۲۷۶۶) مورخه هفتم سرطان فقط آقای علاءالسلطان را طرف تعرض قرار داده و اینک مرقومه فوق الذکر مشارالیه و میرزاسیدعلیخان را که او هم مامور معاودت محصلین بوده است توأمأ متهم نماید. برای اینکه یک مدرک آشکاری در خصومت و طرفیت بلاسیبی که نسبت باین دو نفر اجزای خزانه داری اعمال شده باولیای وزارت جلیله داده باشم بذکر این مسئله کفایت میکنم که وزارت جلیله معارف بدون رعایت سابقه کار به کمیسیون تطبیق حوالجات اظهار میدارد که مشارالیا از خزانه مرخصی گرفته و عازم اروپا بوده اند و وزارت معارف از این عزیمت استفاده نموده و آنها را مأمور معاودت محصلین کرده است و حال اینکه مطابق مرقومه نمره ۱۸۳۸۵ مورخه ۵ سرطان توشقان نیل وزارت جلیله مالیه، وزارت معارف مخصوصاً از خزانه داری تقاضا نموده است که بمشارالیهما اجازه رفتن اروپا

داده شود بنابراین تکرار مینمایم که آقایان علاءالسلطان و میرزاسیدعلیخان بهیچوجه در این قضیه کوتاهی نکرده‌اند و محاسبه آنها هم منظمأ در خزانه‌داری رسیدگی شده و به آنها مفاصا داده شده است و بانصدوهفتادودو تومانی که طلب مشارالیهماست و از قرار صدی ۲۴ قرض کرده و طلبکاران آنها همه‌روزه مطالبه میکنند باید هرچه زودتر به آنها تادیه شود و بدون اینکه بخواهم زیاده از فداکاری و زحمات این دو نفر مأمور که دولت می‌خواهد باین ترتیب ماجور نماید شرح داده باشم مقتضی میدانم که هر چه زودتر میزان طلب آنها تادیه و شغل مناسبی برای آقای علاءالسلطان معین گردد.

مدیرکل گمرکات و خزانه‌داری کل
[امضای هینسنس]
[در حاشیه آمده است: دایره محاسبات راپورت جامع و مختصری از عقیده خزانه‌داری و رای کمیسیون تطبیق حوالجات تهیه و برای فیصله امر تشکیل هیئت منصفه پیشنهاد شود.]

[امضای منتخب‌الدوله]
۳۲ برج اسد

[سند شماره ۱۶]

خزانه‌داری کل ایران

صورت مجلس هیئت منصفه مأمور تجدیدنظر بمحاسبه مأمورین اعاده طلب دولتی از فرنگستان بایران

هیئت منصفه که برطبق حکم بندگان حضرت اشرف اعظم آقای رئیس‌الوزراء دامت عظمته قرار بود برای تجدیدنظر بمحاسبه مأمورین اعاده طلب دولتی منعقد گردد روز یکشنبه ۱۱ برج سنبله قوی‌نیل ۱۲۹۵ شمسی سه ساعت بظهر مانده برحسب ابلاغ حضرت آقای منتخب‌الدوله کفیل خزانه‌داری کل (نمره ۷۷۰۱) مورخه ۶ برج جاری در اداره خزانه‌داری کل مرکب از اعضای ذیل تشکیل یافت:

آقای ترجمان‌الدوله نماینده خزانه‌داری کل و رئیس هیئت منصفه
آقای میرزا محسن‌خان گرنامه‌ای نماینده اداره محاسبات کل مالیه
آقای کمال‌الوزراء نماینده آقایان مأمورین

اعاده طلب دولتی

آقایان علاءالسلطان و میرزاسیدعلیخان نیز برای اینکه عنداللزوم توضیحات لازمه را بدهند از طرف رئیس دعوت شدند. کمیسیون تطبیق حوالجات که مطابق مکتوب خزانه‌داری کل نمره ۷۷۰۱ از طرف حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء ملزم به تعیین یکنفر نماینده بود در ضمن مکتوب نمره ۱۲۹۷ مورخ امروز که عیناً درج میشود: (اداره محترمه خزانه‌داری کل «مرفومه نمره ۷۷۰۱ مورخ ۵ سنبله راجع بمحاسبه آقایان علاءالسلطان و میرزاسیدعلیخان واصل و در کمیسیون تطبیق حوالجات قرائت شد جواباً اشعار میدارد در این باب مرفومه از مقام منبع ریاست وزراء عظام بکمیسیون صادر نشده و نظر باینکه قانون اجازه نمیدهد که حسابی که کمیسیون بموجب وظایف خود رسیدگی نموده در کمیسیون دیگر نماینده فرستاده تجدیدنظر نماید از تعیین نماینده در آن کمیسیون معذور است. (امضا نصرالملک)» از فرستادن نماینده بکمیسیون معذرت خواسته و باین نکته متعذر شده است که اولاً حکم مقام ریاست وزراء عظام مستقیماً بکمیسیون مزبوره نرسیده و ثانیاً مندرجات قانون اجازه نمیدهد که حسابی که کمیسیون تطبیق حوالجات رسیدگی نموده در هیئت دیگری به آن تجدیدنظر شود. مدلول مکتوب کمیسیون تطبیق حوالجات مطرح مذاکره و باتفاق آراء منطوق آن رد شد چراکه اولاً اینکه ایراد نموده‌اند حکم مقام ریاست وزراء عظام بکمیسیون مزبوره نرسیده خزانه‌داری کل در ضمن مکتوب نمره ۷۷۰۱ صریحاً ابلاغ می‌نماید که «بندگان حضرت اشرف اعظم آقای رئیس‌الوزراء امر و مقرر فرموده‌اند «برای اینکه جای تردیدی باقی نماند هیئت منصفه مرکب از یکنفر نماینده کمیسیون محترم تطبیق حوالجات و یکنفر نماینده اداره محاسبات کل و یکنفر نماینده خزانه‌داری کل و یکنفر نماینده آقایان علاءالسلطان و میرزاسیدعلیخان تشکیل و تجدیدنظر در این محاسبه نموده و رأی قطعی و آخری خود را راپورت بدهد و بدیهی است که تصمیم این هیئت برای طرفیت قطعیت خواهد داشت نظر بمراتب فوق خواهشمند است قدغن فرمایند نماینده کمیسیون محترم تطبیق حوالجات هرچه زودتر معین و معرفی شود که بیش از این در انجام و فیصل یافتن این قضیه تاخیر نگردد».

البته این ابلاغ خزانه‌داری کل که بامر مخصوص ریاست وزراء عظام برای الزام کمیسیون تطبیق حوالجات بفرستادن یکنفر نماینده کفایت میکرد پس امتناع کمیسیون مزبور از اعزام نماینده نه فقط موهن اعتبارات خزانه‌داری بلکه تا اندازه نظریات خصوصی را راجع باین محاسبه میرساند. ثانیاً اینکه مندرجات قانون را عنوان میکنند هیچیک از مواد قانون تشکیلات که موجد کمیسیون تطبیق حوالجات است همچو امتیازی را برای کمیسیون مزبور تخصیص نمیدهد. پس امتناع آن کمیسیون محترم از تجدیدنظر بمحاسبه که رسیدگی به آن اختصاصاً مربوط بخزانه‌داری کل بوده و بکمیسیون مزبور مستقیماً رسیدگی نموده موهم همان نظریات خصوصی فوق‌الذکر میگردد و همچو تصور میرود که بهمین واسطه اجرای امر مطاع مبارک حضرت اشرف اعظم رئیس‌الوزراء راجع به تجدیدنظر در این محاسبه در کمیسیون دیگر را مقرون بصلاح ندیده‌اند. باری گذشته از این مراتب نظر باینکه با وجود عدم حضور نماینده تطبیق حوالجات عده اعضای حاضر برای تجدیدنظر بحساب مأمورین کافی بود هیئت منصفه داخل مذاکره گردید. برطبق دوسیه اینکار که آقای کمال‌الوزراء بکمیسیون ارائه دادند بطور آشکار و واضح معلوم میشود کلیه حملات و اعتراضاتی که نسبت به آقایان علاءالسلطان و میرزاسیدعلیخان بروز و ظهور یافته نتیجه یکرشته سعایتها و تفتن‌هایی است که محرک آنها بغض دیرینه بعضی نسبت بشخص علاءالسلطان یا منافع شخصی برخی دیگر و یا تنها حسادت باین دو نفر مأمور بوده است و بدون اینکه هیئت منصفه بخواهد در ضمن غوررسی و مطالعات خود توهین یا تخفیف مقامات یا اشخاص ذی‌مداخله در این امر را در نظر داشته باشد اظهار این نکته را بحقیقت گوئی مدیون است که با وجود اینکه اول دفعه است که مأمورین دولت بعد از مراجعت از مأموریت حساب ریز مخارج خود را با اسناد خرج بداره متبوعه خود داده‌اند با وصف این بواسطه انتریک و غرض‌رانی بعضی مأمورین مزبور اینطور دستخوش بند و بست حاسدین و مغرضین شده‌اند چه آقایان علاءالسلطان و میرزاسیدعلیخان بمحض معاودت صورت حساب خود را در طی راپورت انجام مأموریت بداره متبوعه خود یعنی خزانه‌داری کل تسلیم



میرزاهدی خان مشیرالملک (بعداً پرنس علاءالسلطنه) وزیرمختار ایران در لندن

و حسابی که با نهایت دقت در خزانه‌داری کل رسیدگی شده بود برای تجدید رسیدگی بکمسیون تطبیق حوالجات رفت اگرچه تجدیدنظر کمسیون با مقدماتی که ذکر شد برای اداره خزانه‌داری کل و دایرة محاسبات این اداره و مخصوصاً برای شخص مسیوهینسنس مدیر سابق خزانه‌داری کل تا درجه معتنا بهی موهن بنظر می‌آمد ولی از آنجا که خزانه‌داری در صحت آن تردیدی نداشت با این اظهار مخالفتی ننموده و منتظر نتیجه شد. اما چون مغرضین هنوز کاملاً بمقصود خود نایل نشده بودند رشته حملات و انتریکهای خود را قطع نکردند و بالاخره با مساعدت حوادث و موقع موفق شدند که خدمات ضاقدانه چندین ساله دو نفر مأمور دولت را که تابحال از آنها نه تنها کمتر خیانتی صادر نشده بلکه با نهایت صداقت و درستی خدمات مرجوعه را انجام داده‌اند موقته ننگین نمایند. هیئت منصفه مخصوصاً نهایت تاسف را دارد از اینکه در بدو امر وزارت جلیله معارف در تحت رقعہ رسمی نمره ۱۹ مورخ ۵ برج سرطان توشقان‌نیل پس از ذکر مقدمات و پریشانی طلاب پراکنده دولتی و مغشوش بودن امر محاسبه و معاش و لزوم عودت دادن آنها بملاحظه جنگ اروپا صریحاً می‌نویسد: «نظر بحسن اعتمادی که این وزارتخانه به آقایان علاءالسلطان و میرزاسیدعلیخان دارد و بملاحظه اطلاعات و سابقه عملی که معزالیها در امور مالیه معارف عموماً و در کار شاگردان خصوصاً دارا هستند تقاضا میشود وزارت جلیله مالیه به آنها اجازه مرحمت فرمایند قبول این مأموریت را که حقیقه یک قسمت آنهم رجوع بوزارت مالیه است بنمایند... الخ» و وزارت جلیله مالیه در تحت نمره ۱۸۳۶۵ مورخ همان روز سواد رقعہ مزبوره را بخزانه‌داری فرستاده و صریحاً حکم میکند که احکام مأموریت آنها صادر و مدلول رقعہ وزارت معارف بموقع اجرا گذارده شود. با وصف این همان وزارت معارف در جواب استفسار کتبی کمسیون حوالجات در تحت نمره ۹۲۳ می‌نویسد که چون مأمورین قبلاً عازم اروپا بوده و از خزانه‌داری مرخصی حاصل کرده بودند وزارت معارف موقع را مغتتم دانسته و این مأموریت را به آنها داده است و کمسیون تطبیق حوالجات بدون اینکه بیش از این تحقیق را جایز بداند در مخارج ایاب و ذهاب مأمورین تردید میکند.

ولی پس از اینکه خزانه‌داری بحساب آنها رسیدگی نمود و مفاصاحساب داد در تاریخ ۲۶ ثور تحت نمره ۱۸۹۶ راپورت رسیدگی و مفاصاحساب مزبور را که برطبق آن آقایان علاءالسلطان و میرزاسیدعلیخان مبلغ ۵۷۲/۲۴۹۰ تومان طلبکار هستند، بوزارت جلیله تقدیم داشت و وزارت جلیله در کار اختتام این امر بوده یکمرتبه از هر طرف اعتراضاتی برعلیه آقای علاءالسلطان به منصفه ظهور رسید و متعرضین با زمینه مستعد کار که هر نوع اجحافی را به آنها اجازه میداد مشغول عملیات شدند و بطوری خاطر مقامات عالیه را مشوب نمودند که آقای علاءالسلطان از خدمت و شغل سابق خود باز ماند و نتوانست بقفقاز مراجعت نماید و مجبوراً در طهران بشغل اسبق خود مداومت نمود

میدارند. وزارت جلیله مالیه در تحت نمره ۱۶۲۱/۶۸۶ مورخ ۲۷ حمل قوی‌نیل صریحاً بداره خزانه‌داری کل حکم میکند که «چون اداره خزانه‌داری بهتر صلاحیت دارد که باین حساب رسیدگی نماید قدغن نمایند کمسیون معاودت طلاب یک نسخه از صورت حساب خود را باداره خزانه‌داری تسلیم نماید و رسیدگی کامل به آن نمایند و نتیجه را بوزارت مالیه اطلاع دهید» و حتی در تاریخ ۹ ثور یعنی ۱۲ روز بعد تحت نمره ۴۱۸۶/۱۶۱۰ مجدداً تاکید میفرمایند که هرچه زودتر بمحاسبه مأمورین رسیدگی کرده و راپورت بدهند و چون مأمورین از اجزای خزانه‌داری بودند ترتیب هم همین بود که خزانه‌داری حساب آنها را مطالعه و مراجعه نماید.

این قضیه فقط بطور مثل و نمونه ذکر میشود تا مقامات عالی از خصومت و غرض رانی هويدانی که نسبت بمأمورین شده است کاملاً استحضار حاصل فرمایند گذشته از این مقامات بطوریکه در فوق ذکر شد مأمورین صورت حساب ریز خود را تا دینار آخر نوشته و اسنادیکه مخارجی را که ممکن بوده است بکمیسسیون تطبیق حوالجات تسلیم نموده اند. با اینحال کمیسسیون مزبور بدون اینکه بتواند جزئی ایرادی بصورت حساب مأمورین وارد نماید از پیش خود موافق تخمیناتی که بهیچوجه قبول کردنی نیست، مخارج را حساب کرده و ابداً پیش آمدهای فوق العاده این مأموریت و حوادث فعلی اروپا را در نظر نگرفته است و غافل از اینکه حوادث جنگ چگونه در زیاد کردن مخارج مداخله دارد [کمیسسیون] تطبیق حوالجات مخارج ایاب و ذهاب را تقریباً مثل ایام عادی قلمداد کرده است.

نظر بمذاکرات و عدل مذکوره فوق و بملاحظه اینکه آقایان علاءالسلطان و میرزاسیدعلیخان مطابق مقررات اداری رفتار کرده و صورت حساب خود را بخزانه داری تسلیم نموده و خزانه داری کل حسب الوظیفه و موافق حکم موکد وزارت جلیله مالیه محاسبات آنها را رسیدگی کرده و مفاسدا داده آقای کمال الوزاره نماینده آقایان مأمورین تجدیدنظر را در ریز محاسبات زاید دانسته و تقاضای رأی نمودند ولی آقای میرزا ابوالحسن خان گرانمایه نماینده اداره محاسبات کل مالیه عبارت ابلاغ حکم مقام رفیع ریاست وزراء عظام را در نظر گرفته و اظهار داشتند که برای اجرای تام و تمام مدلول حکم مزبور بهتر است بریز حساب تجدید نظر شده با اطلاعات کاملتری اخذ رأی گردد. آقای ترجمان الدوله رئیس هیئت منصفه این پیشنهاد را پذیرفته و امر بقرائت صورت ریز حساب نمودند. خلاصه پس از قرائت صورت مزبوره و مطالعات دقیقه در آن به هیئت منصفه ثابت و محقق گشت که حسابی را که آقایان علاءالسلطان و میرزاسیدعلیخان داده اند بهیچوجه حاکی از مخارج فوق العاده یا بیقاعده نیست و اعضای این هیئت که همگی از اوضاع اروپا سابقه دارند و در ممالک فرنگستان مسافرت کرده اند خود را از تحسین و تقدیر خدمات و صرفه جوئی آقایان مأمورین ناگزیر میدانند.

مشارالیهما برای حفظ منافع دولت و خرج منزل و غذا و غیره رعایت نهایت صرفه جوئی را نموده و حتی گاهی هم خودشان را بانتظار قدردانی دولت در تضییق انداخته اند. باینحال جای تاسف است که دو نفر مأمور صحیح العمل که اداره خزانهداری کل بخدمات صادقانه و صحت عمل آنها اعتقاد و وثوق کامل دارد اینطور در مقابل صورت غیر مشروع جمعی مغرض مظلوم و دچار زحمات مادی و معنوی بشوند و فداکاری و جان فشانی آنها در انجام یک چنین خدمت مهمی در اینموقع پرخاطر فراموش گردد و از سه هزار و شصت تومان و کسری که از تفتیش آنها در محاسبه طلب دولتی صرفه دولت شده است ابداً اظهار قدردانی نشود.

در هر حال هیئت منصفه که بموجب حکم بندگان حضرت اشرف اعظم آقای رئیس الوزراء دامت عظمته تشکیل یافته است پس از مطالعه عمیق و رسیدگی دقیق در این امر با نهایت بی طرفی اینطور رای میدهد که اولاً مفاسد حسابی که مسیو هینسنس مدیر سابق خزانهداری کل به آقایان علاءالسلطان و میرزاسیدعلیخان داده صحیح است و مبلغ پانصد و هفتاد و دو تومان و دو قران و چهار صد و نود دینار بلاشک طلب مشارالیهماست که باید به آنها تادیه شود. ثانیاً نظر بخدمات فوق العاده که مشارالیهما در این مأموریت کرده مخصوصاً بیاداش زحماتی که در این اواخر به آنها وارد شده مقتضی است که از طرف اولیای دولت بامتیاز مخصوصی مفتخر گردند.

طهران بتاريخ یازدهم برج سنبله لوی نیل ۱۲۹۵
[محل امضا: ترجمان الدوله]
[محل امضا: محسن خان گرانمایه]
[محل امضا: کمال الوزاره]

[سند شماره ۱۷]

وزارت امور خارجه

اداره انگلیس

۲۷ ربیع الاول ۱۳۳۴
سواد یادداشت سفارت لندن ۲ فوریه ۱۹۱۶

مقام منیع وزارت جلیله خارجه

از شرح حال و محاسبات و قروض دولتی لندن

و سخت گیری بانک شاهنشاهی وزارت جلیله خارجه و وزارت معارف کاملاً مستحضر شده، و درخصوص اینکه مأموریتی که برای معاودت دادن طلب فرستاده بودید، پول همراه خود برای ادای قروض طلب نداشتی، و فقط اظهار می داشتی، مأمور هستم برات حواله

BANDE DE TRESOR بدهند و این مسئله چقدر اسباب تعجب و چه زحماتی به سفارت در راضی کردن بانک به قبول برات به جای پول نقد تحمل نمود، در مشروح ۳۹۰/۳۲ مورخه ۲۲ ذی الحجه ۱۳۳۳ به وزارت معارف شرح داده بعد از اطمیناناتی که سفارت نظر به رعایت حیثیت و احترام مأمورین و اعتبار نامه های آنها داده، بانک راضی شد قبل از حرکت طلب، اصرار به پرداخت طلب خود ننموده و بجای پول نقد، برات خزانه را قبول کند و دقیقه [ای] تصور نمی کرد با آن همه اطمیناناتی که سفارت و علاءالسلطان داده، اشکالی در وصول وجه برات بشود، پس ملاحظه فرمائید چقدر اسباب خجالت سفارت شد.

وقتی که به تاریخ ۲۰ ژانویه کاغذی که سواد آنرا الفأ می فرستم از بانک شاهنشاهی رسید، بانک شاهنشاهی سواد رقبه جوابیه خزانه داری کل نوشته است، فرستاده است، اگرچه مقصود وزارت مالیه و خزانه داری کل از این مکاتبات درست مفهوم نمی شود، ولی این قدر معلوم است که برای وصول وجه بروات بانک به زحمت افتاده است و به ملاحظاتی که عرض شد این مسئله خیلی اسباب خجالت سفارت و اسباب بی اعتباری دولت خواهد بود که با آن معرفی که از مأمورین دولتی شده بود، و اهمیتی که به بروات چاپی خزانه داده شده بود، در طهران اینطور به بانک جواب بدهند!!

تلگرافی به تاریخ ۱۵ ربیع الاول نمره ۷۳ در این باب عرض کردم و هنوز جواب آن نرسیده است و خیلی منتظر جواب آن هستم که بدانم حقیقت مطلب چیست، چون تصور نمی توانم بکنم که دولت سند رسمی مأمورین خود را بی اعتبار کرده باشد، و به بانک جواب دادم که باید اشتباهی شده باشد و این مطلبی نبود که لازم به رجوع لندن باشد و شاید مقصود وزارت مالیه این است که برات پستی به توسط وزارت معارف پرداخته شود. با زحماتی که سفارت در گذشته برای حساب این طلب داشته و مساعدتهایی که

سفارت اعلیحضرت شاهنشاه ایران در پاریس در تاریخ ۱۵ عقرب توشقان نیل ۱۲۹۴ هجری شمسی مطابق ۱۳ نوامبر ۱۹۱۵ میلادی در سفارت سنیه ایران در پاریس در حضور حضرت مستطاب اشرف آقای ممتاز السلطنه وزیر مختار دولت علیه دامت شوکتة العالی و جناب جلالتماب اجل آقای یوسف خان نظر آقا مستشار سفارت سنیه و جناب فخامت عالی آقای امیرخان بهارلو، نایب سفارت، این جانبان سیدعلی خان و علاء السلطان حسب الامر دولت علیه پس از ملاحظات مکاتبات و مراسلات مربوط به طلاب دولتی و محاسبات آنها و بعد از مذاکره به مدلول مراسلات مذکوره و دستورالعمل هائیکه از طرف دولت علیه بسفارت سنیه در تواریخ مختلفه رسیده بود برای اتمام کار محاسبات شاگردان دولتی در فرانسه و سویس قرار ذیل را باتفاق آراء اتخاذ نمودیم اولاً نظر بمقرومات نمره ۷۵۴۴ و نمره ۶۹۹۲ مورخه برج حوت ۱۳۳۲ وزارت جلیله معارف و بملاحظه اینکه غالب اعضاء اتحادیه فرانکوپرسان مخصوصاً محاسب و صندوقدار در جنگ رفته اند و مطابق اسنادیکه در سفارت سنیه ملاحظه شد و عیناً ضمیمه این قرارداد است دقتیکه یک قسمت از محاسبات طلاب دولتی را در زمان تصدی مسیولامپر مستوفی، حاوی بوده از میان رفته و مفقود شده است و عجالتاً رسیدگی حقیقی واقعی بمحاسبات اتحادیه غیرممکن می باشد و بعلاوه مطابق چند نمونه که پس از تصدی اتحادیه فرانکوپرسان بدست آمده با تفاوت مخارجیکه نظامیان و غیره از قبیل آقای میرزا علی اکبرخان بهمن و آقای ابوالقاسم خان ذوالریاستین داشته اند و رسیدگی بمحاسبات اتحادیه مذکوره و بهمزدن یک قرارداد دولتی مدتها صرفه دولت نبود بلکه احتمال توجه خسارت و موجب هتک احترام دولتی ممکن بود بشود، لهذا چنین صلاح دیده شد از میزان تنگوزنیل ۱۲۹۰ شمسی که تاریخ شروع تحصیلات شاگردان است الی آخر تصدی اتحادیه فرانکوپرسان یعنی اول میزان پاریس نیل که مصادف است با آغاز جنگ اروپا و تعطیل اتحادیه مزبوره بمحاسبات شاگردان بطور مقاطعه یعنی از قرار شاگردی در ماه چهل و پنج تومان و هشت قران و کسری یا

مضر است، چون علی اکبرخان جوان خیلی بی ادب و بی مغزی است و اگر تحمل و ملاحظه فوق العاده نبود تا بحال حرکتی از او روی داده بود که سفارت را مجبور به اقدامات سخت و معاودت دادن جبری او به ایران می نمود، ولی بطوریکه ملاحظه فرموده اید حدالامکان سعی شده است او تحصیل خود را به اتمام برساند و مخارجی که این مدت شده است بیهوده بود، اگرچه با حالتی که دارد نمی دانم تا به چه اندازه بکار دولت بخورد.

[سواد مطابق اصل است]

[محل امضای سفارت]

[محل مهر وزارت خارجه]

[سند شماره ۱۸]

۴ ذیقعه ۳۵

اداره انگلیس

نمره ۱۱۲۶۲/۱۲۵۲

وزارت جلیله مالیه

باز تلگرافی از سفارت لندن در باب حوالجاتی که تادیه آن بعهده تاخیر مانده بوزارت امور خارجه رسیده است. با اینکه سابقاً از وزارت امور خارجه شرحی زحمت داده و بهئیت وزراء عظام هم عرض شده اسناد مزبوره در دست بانک باقی و اسباب بی اعتباری دولت فراهم است و متصل با سفارت لندن مذاکره و مکاتبه کرده و فشار می آورند و نماینده دولت که باید همش در اینموقع مملکت، مصروف مسائل دیگر باشد همواره بدفاع و جواب گفتن مطالبه بانک مشغول است.

جداً تمنا دارم که این امر را تعقیب و فوراً طلب بانک را تادیه فرمایند و راضی نشوند که اعتبار دولت بیش از این ضایع و موجب افتضاح گردد منتظر جواب فوری آنوزارت جلیله است که نتیجه مطلوبه را اعلام فرمایند.

[مهر و امضای وزارت امور خارجه]

بانک شاهنشاهی کرده و از طرف دولت هیچ قسم همراهی نشد که اقلأ سفارت را نزد بانک بی اعتبار نکند و بالاخره باوجود اشکالاتی که حالا در پرداخت طلب چند ساله بانک می شود، اسباب تعجب است که تلگرافاً و کتباً از طرف دولت اشعار شده بود که علی اکبرخان در لندن بماند و تحصیل خود را تمام کند، با کدام پول و قرار صحیح؟ و چیزیکه اسباب حیرت است بخود علی اکبرخان هم از قراری که می گوید تلگرافاً و کتباً اینطور مستقیماً اشعار شده در موقی که علاء السلطان طلاب را معاودت می داد علی اکبرخان هم مخارج مسافرت خود را گرفت ولی بعد از گرفتن امتناع نمود و گفت اگر دولت مخارج او را ندهد، کسان او متحمل مخارجش خواهند شد و از آن وقت به مسئولیت خود مانده است و نظر به زحمات و عدم مسافرت سابقه دولت، سفارت از قبول مسئولیت مواظبت از علی اکبرخان یا دیگری امتناع دارد، مگر اینکه موافق پیشنهادی که مقرر شد (و ابدأ طرف اعتنا واقع نگردید) بانک شاهنشاهی در طهران قرار بدهد که مرتباً مخارج آنها را به اقساط برساند و



ابوالقاسم ذوالریاستین (از محصلین دولتی)

تا همچو قراری نداده اید، مستدعی است به سفارت تکلیف نفرمائید مسئول تربیت طلاب باشد، و مخصوصاً استدعا دارم قبل از اینکه به سفارت قرار صحیحی برای مخارج و توقف آنها بدهید، با خود آنها مکاتبه نشود و بی جهت آنها را امیدوار ننمائید، چون بیچاره ها هم بی تکلیف می مانند و هم اسباب زحمت سفارت دولت می شوند، مخصوصاً استدعا می کنم در این نکته آخری دقت و توجه کامل بشود و با علی اکبرخان مکاتبه مستقیم وزارت معارف بی اندازه بی موقع و

پانصد و پنجاه تومان در سال (باستثنای آنهایی که کمتر داشته‌اند) رسیدگی شود صورت نمره ۱ که ضمیمه است نتیجه این سه سال تصدی اتحادیه فرانکوپرسان است و از آن بابت دولت علیه به اتحادیه مبلغ هزار و پانصد و بیست و نه فرانک و شصت و پنج [ساتیم] مدیون است و این طلب متضمن قیمت لباس چهار نفر نظامیان است که بحکم دولت بعد از اتمام تحصیل و صاحب منصب شدن داخل خدمت شده و استاز نموده یا می‌بایستی بنمایند (بخرج آوردن البسه مزبوره بر طبق مرقومات وزارت جلیله خارج نمره ۱۶۳۸۹/۱۷۸۹ و نمره ۱۷۹/۷۸ بوده) و نیز حاصل مذکور فوق حاوی است مخارج مراجعت به ایران که به آقای محمودخان رشتی ادا شده است (قبول این خرج مطابق مدلول نمره ۱۸۶/۷۶ مورخه ج ۱ - وزارت جلیله خارج است).

در وجه آقای غلامعلی شیبانی ۵۰۰
 « عیسی خان صدیق زاده » ۲۴۰
 « » « » « » ۶۶
 « آقای سید محمد علیخان تبریزی » ۳۸۲
 « » « » « » « » ۱۳۰۰
 « » « » « » « » ۱۵۲

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
 اداره معارف
 دایرة مراسلات
 نمره ۲۱۶
 ۱۷ میزان یونیت نیل ۱۳۳۷
 وزارت جلیله مالیه

تانیاً چون از اول میزان پارس نیل انجمن اتحادیه فرانکوپرسان تعطیل شده سفارت سنیه مستقیماً از آن تاریخ متصدی امور شاگردان دولتی شده اند قرار شد هر مبلغی که بابت خرج تحصیل و کتاب و لباس و لوازم و پول جیب برای شاگردان خرج شد یا به بدائین آنها باید پرداخته شود جزء جزء در حساب داخل و بقرض یا جاهای دیگر ادعائی شود در صورتیکه

بطوریکه از وزارت جلیله خارج مرقوم شده است در جلسه ۱۱ برج سنبله هیئت وزراء عظام بر حسب پیشنهاد وزارت جلیله خارج تصویب فرموده‌اند طلب شرکت فرانسه و ایران از بابت مخارج محصلین دولتی فرانسه و سویس تادیه شود، بدیهی است وجه مزبوره تاکنون پرداخته شده است و مبلغ مزبور بر (۲۹۴۴۷) فرانک و ۹۵ ساتیم است. وزارت معارف لازم میدانند اهمیت پرداخت طلب سایر طلبکاران محصلین بلژیک و لندن و غیره را که قبوض چاپی رسمی بتوسط مفتش وزارت جلیله مالیه بضمانت نمایندگان خارج ایران بانها داده شده است خاطر نشان نموده و تقاضا نمایند که با رعایت دو نکته مهم بموجب صورتی که سابقاً بانوزارتخانه محترمه ارسال شده است قروض مزبوره را امر بتادیه فرمایند، یکی آنکه فشار طلبکاران فوق‌الذکر بوسیله بانک شاهی و غیره فوق‌العاده اسباب زحمت شده دومی اینکه با شایعاتی که از صلح اروپا در افواه است چنانچه اندکی تاخیر در پرداخت شود دور نیست تسعیر فرانک و لیره که معادل نصف تادیه امروزه آن صرف دولت است ترقی نموده ضرر دولت بشود.

[مهر و امضای وزارت معارف]
 صدخان ممتاز السلطنه



هیئت وزراء در جلسه بیستم ذیحجه هزاروسیصدوسی و یک تصویب نمودند که مصارف تحصیلی اشخاص مفصله ذیل از بابت حقوق دیوانی خودشان یا اولیای آنها از بابت هذه السنه اودئیل بمیزانی که معین شده است پرداخته شود با استثنای اکرام السلطان ولد مرحوم حاجی شیخ محسن خان مشیرالدوله که چون مواجب دیوانی ایشان بطور مشاھرہ در مرکز پرداخته میشود.

مبلغ حقوق دیوانی	قران	نام و لقب
۶۰۰۰	قران	محمدعلی میرزا ولد معتضدالدوله
۲۰۰۰	»	۲. امان الله میرزا ولد ضیاءالدوله
۷۲۰۰	»	۳. حسین خان ولد معاون السلطنه
۶۰۰۰	»	۴. احمدخان ولد عماد السلطان
۶۰۰۰	»	۵. عباسخان ولد ایضاً
۶۰۰۰	»	۶. فضل اله خان
۵۰۰۰	»	۷. هرمز میرزا ولد افخم الدوله
۴۹۲۳	»	۸. نصر الله خان ولد حاج میرزا زکیخان
۴۹۶۶	»	۹. منظم السلطنه ولد محتشم السلطنه
۴۹۶۶	»	۱۰. موقر السلطان ولد ایضاً
۱۸۰۰	»	۱۱. اکرام السلطان ولد محسن خان مشیرالدوله
۳۶۲۰	»	۱۲. مصطفی خان ولد میرزا محمد حسین مستوفی
۶۰۰۰	»	۱۳. حسام همایون ولد شیخ الرئیس
۲۱۶۳	»	۱۴. میرزا مهدیخان ولد عمیدالحکماء
۲۱۶۳	»	۱۵. میرزا علیخان ولد ایضاً
۶۰۰۰	»	۱۶. یوسفخان ولد آقای حکیم الملک
۲۰۰۰	»	۱۷. ابوترابخان ولد مکرم الدوله
۴۸۰۰	»	۱۸. محمد امین خان پسر شاهزاده صمصام السلطنه
۵۰۰۰	»	۱۹. میرزا مجیدخان پسر بدیع الملک
۳۶۰۰	»	۲۰. ربابه خانم و خسرو میرزا اولاد شاهزاده جلال الممالک
۶۲۶۱	»	۲۱. پسرهای سالار السلطنه
۵۰۰۰	»	۲۲. هوشنگ خان ولد احتساب الممالک
۴۸۶۰	»	۲۳. محسن خان ولد ایضاً
۶۰۰۰	»	۲۴. میرزا اسید مصطفی خان پسر آقا میرزا اسید احمدخان مستوفی

مبلغی که اضافه بر حقوق داده میشود
۱۲۰۰ قران

» ۲۵۰۰ قران

» ۲۵۰۰ »

۶۲۰۰

۱۲۸۵۲۱

مقرر فرمائید مدلول حکم هیئت وزرا را بموقع اجرا گذارند، تصویب نامه بامضای هیئت وزراء در کابینه ریاست وزراء ضبط است.

محمدعلی

[محل مهر ریاست وزراء]

۱۷۵۰ غلامحسین خان داراب
میرزا احمدخان خراسانی

۱۳۷۵ بجای محسن دبیر
بتوسط آقای ممتاز السلطنه بمحصلین دولتی که
در جزو سی نفریکه در تنگوزئیل بارویا رفته‌اند و
در فرانسه مشغول تحصیل میباشند، میزان قسط
سه ماهه هریک از اینقرار است:

قران
۱۳۷۵ غلامعلیخان شیبانی پسر میرزا احمدخان
۱۳۷۵ میرزا احمد میرزا صادق
۱۳۷۵ علی اکبرخان بهمن پسر سیدحسنخان
۱۳۷۵ میرزا سیدمحمدعلی تبریزی
۱۳۷۵ میرزا علی اکبرخان حاج محمدحسن
۱۳۷۵ میرزا اشرف میرزا فضل‌اله
۱۳۷۵ حبیب‌اله خان حاج میرزا عبدالله
۱۳۷۵ عیسی خان میرزا عبدالله
۱۳۷۵ ابوالقاسم ذوالریاستین پسر محمدعلیخان
۱۳۷۵ محمودخان، محمدتقی خان
۱۳۷۵ حبیب‌اله خان شهاب‌الممالک
۱۳۷۵ عبدالله خان پیرزاده
۱۳۷۵ رضاخان نعیم السلطنه
ایضاً بتوسط آقای ممتاز السلطنه به محصلینی
که در سابق و بعد رفته‌اند و میزان یک قسط سه
ماهه هریک از قرار ذیل است:

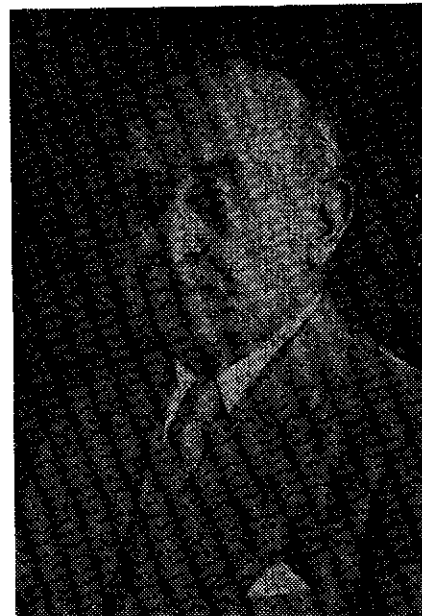
قران
۱۵۰۰ سلیمان خان نیرالملک
۶۵۰ غلامحسین زیرک
۱۰۷۵ میرزا احمدعلیخان ممتحن الدوله
ایضاً بتوسط آقای ممتاز السلطنه به محصلین
دولتی که جزو سی نفر محصلین دولتی هستند که
در تنگوزئیل بارویا رفته‌اند و در سويس تحصیل
مینمایند میزان قسط سه ماهه هریک:

قران
۱۳۷۵ حسن آقای علیخان
۱۳۷۵ بیوکخان، محمدتقی خان
۱۳۷۵ سیدمحمدعلی پسر مرحوم آقا سیدجمال
ایضاً بتوسط آقای ممتاز السلطنه در صورتیکه
خزانه نتواند مستقیماً بانها برساند بمحصلین
دولتی که در سابق یعنی از سنه ایت‌ئیل و بعد
رفته‌اند و در سويس مشغول تحصیل هستند،
میزان قسط سه ماهه هریک از قرار ذیل است:

قران
۱۲۵۰ ابوالحسنخان حکیم‌الملک
۱۲۵۰ ابوطالب خان



زاک ذوزف مرناز خزانه‌دار کل



دکتر اسماعیل خان مرزبان مودب السلطنه

[سند شماره ۲۲]

وزارت معارف و اوقاف

نوزدهم برج جدی بارس‌ئیل ۱۳۳۳

وزارت جلیله مالیه

صورت ذیل اسامی محصلین دولتی است که
در اروپا مشغول تحصیل هستند و وجهی که از
بابت قسط دوم بارس‌ئیل بتوسط خزانه‌داری کل
فرستاده شده باید بطوریکه ذیلاً نوشته شده است
به آنها برسانند بتوسط آقای مشیرالملک به
محصلین دولتی که در لندن تحصیل مینمایند و
جزو سی نفر شاگردی هستند که در تنگوزئیل
فرستاده شده‌اند و میزان قسط سه ماهه هریک از
آنها از قرار ذیل است:

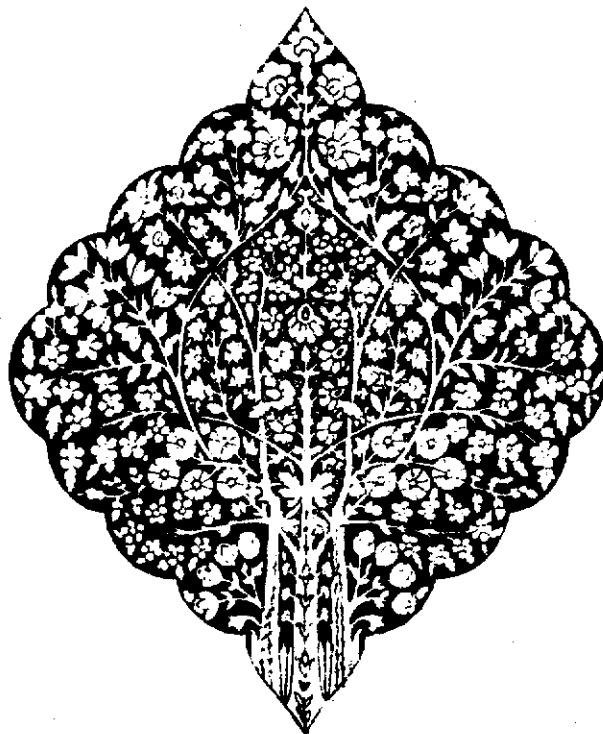
قران
۱۷۵۰ علی اکبرخان داریوش
۱۷۵۰ میرزا احمدخان اردشیر
۷۵۰ غلامعلی خان صفرعلیخان



ممتازالملک وزیر معارف

قران	۱۲۵۰	تا اینکه آقای ممتاز السلطنه صورت حساب بقیه طلب خود را از بابت مصارف آنها تا روز حرکت	۱۲۵۰	تأیید که آقای ممتاز السلطنه صورت حساب بقیه طلب خود را از بابت مصارف آنها تا روز حرکت	اسداله خان ملک المتکلمین نصراله خان جهانگیر
قران	۹۰۰	از اروپا بوزارت معارف بفرستد و ضمناً بنویسد که دیگر دیناری از بابت محصلین مزبور بعدها کسی حق مطالبه نخواهد داشت تا اینکه قسط دوم آنها نیز ارسال شود.	۱۲۵۰	از اروپا بوزارت معارف بفرستد و ضمناً بنویسد که دیگر دیناری از بابت محصلین مزبور بعدها کسی حق مطالبه نخواهد داشت تا اینکه قسط دوم آنها نیز ارسال شود.	بعلاوه دو نفر از محصلین دولتی که در بلژیک مشغول تحصیل بودند و فعلاً معلوم نیست در کجا هستند، قسط دوم آنها در خزانه توقیف خواهد بود تا آدرس آنها معلوم شود و بجهت آنها پس از تعیین محل فرستاده شود و میزان یک قسط سه ماهه آنها از قرار ذیل است:
قران	۱۳۷۵	رضاقلیخان، محمدقلیخان	۱۳۷۵	قران	میرزا ابوالحسن خان ثقة الاسلام
قران	۱۳۷۵	علیخان حکیم	۱۳۷۵	محمود میرزا	میرزا رفیعخان ثقة الاسلام
قران	۱۳۷۵	جعفرقلی میرزا	۱۳۷۵	جعفرخان حکیم	علاوه بر محصلین مزبور اشخاص ذیل جزو سی نفر محصلین دولتی بوده و مراجعت کرده اند و قسط دوم آنها را در اینجا خزانه توقیف خواهد کرد.
قران	۱۳۷۵	غلامعلیخان، میرزا نصراله	۱۳۷۵	اشخاصی که بطور متفرقه مراجعت کرده اند و باید همین جا قسط آنها بخودشان داده شود	
قران	۹۰۰	علیخان پسر معتمدالاطباء			
قران	۹۰۰	کاظمخان ولد ایضاً			
قران	۱۳۷۵	صورت کلی حقوق و اسامی محصلین مالیه دولتی از قرار تفصیل فوق است و لازم است مقرر شود که باین تفصیل بوسیله تلگراف این حقوق را بمحصلین برساند.			

■ [مهر و امضای وزارت معارف]



صورت وجوهیکه از بابت محصلین دولتی به ثبت محاسبات رسیده است.

قران	دینار	شرح	ماه	تاریخ روز
۷۱۷۵۰		از بابت ۳ ماهه سیم ۳۰ نفر محصل و مخارج حرکت ۲۶ نفر بارویا و مراجعت مأمور از اروپا	سنبله تنگوزئیل	۱۰
۳۸۵۶		از بابت یکساله تنگوزئیل سلیمانخان	سنبله	۲۰
۱۰۰۰۰		از بابت ۶ ماهه دوم تنگوزئیل ۵ نفر محصل است	میزان	۱۹
۳۶۰۰		از بابت ۶ ماهه اول اودئیل علیخان و کاظمخان	»	۲۸
۸۰۰۰		از بابت اضافه خرج سلیمانخان	»	»
۷۲۰۰		از بابت یکساله مترجم نظام از ابتدای عقرب تنگوزئیل لغایت میزان سیچقانئیل و مخارج حرکت	عقرب	۲
۴۱۷۵۰		از بابت ۳ ماهه چهارم ۳۰ نفر محصل تنگوزئیل	قوس	۲۵
۱۲۴۲۸		از بابت ۶ ماهه اول سیچقانئیل ۶ نفر محصل است	حوت	۱۵
۴۱۷۵۰		از بابت ۳ ماهه اول سیچقانئیل ۳۰ نفر محصل تنگوزئیل	حوت	۲۶
۶۰۰۰		از بابت یکساله سیچقانئیل محسن خان پسر حاج سیاح بموجب چهار ورقه درخواست	سرطان	۳
۶۰۰۰		از بابت یکساله مترجم نظام از ابتدای عقرب لغایت میزان اودئیل	میزان	۱۷
۸۲۵۰۰		از بابت ۶ ماهه ۳۰ نفر محصل تا آخر قوس سیچقانئیل	عقرب	۲۹
۹۷۵۷۲		از بابت تمه طلب کلیه محصلین در سیچقانئیل	میزان	۱۹
۱۶۰۰		از بابت یکساله سیچقانئیل میرزا سید فضل اله خان محصل سیچقانئیل	دلو	۱۴
۹۰ لیره		اضافه مخارج ۳ نفر محصل لندن در سیچقانئیل	حوت	۲۳
۶۳۹۸۲	۵۰	از بابت ۳ ماهه اول اودئیل کلیه محصلین	ثور اودئیل	۱۸
۳۰۰۰		از بابت ۴ ماهه آخر سیچقانئیل ۳ نفر محصلین بعنوان خرج مسافرت	جوزا	۸
۶۵۶۶۰		از بابت ۳ ماهه دوم اودئیل کلیه محصلین	سنبله	۱۹
۱۳۰۰		از بابت ۶ ماهه اول ابراهیم خان نبیل الملک	عقرب	۵
۷۵۴۲۵		از بابت سه ماهه سیم کلیه محصلین در اودئیل	قوس	۲۸
۳۰۰۰		از بابت ۶ ماهه اول اودئیل یحیی خان پسر مرحوم ثقه الاسلام	جدی	۲۰
۷۳۹۲۵		از بابت ۳ ماهه چهارم اودئیل کلیه محصلین	دلو	۱۴
۶۷۰۵۰		از بابت ۳ ماهه چهارم اودئیل کلیه محصلین	ثور بارسئیل	۳۰
۴۲۰۰		از بابت ۳ ماهه کلیه محصلین در بارسئیل	ثور	۳۰
۶۲۲۷۵		از بابت مخارج مراجعت ۶ نفر محصل	عقرب	۱۷
۱۳۷۵		از بابت ۳ ماهه دوم بارسئیل کلیه محصلین	قوس	۱۵
۵۰۳۲۵		از بابت ۳ ماهه سیم میرزا سید فضل اله خان	»	»
۳۰۰۰		از بابت قسط سیم محصلین	جدی	۲۷
۱۵۰۰		از بابت ۳ ماهه چهارم و مخارج مراجعت سلیمانخان	دلو	۱۴
۱۳۷۵		از بابت ۳ ماهه چهارم محسن خان	»	۲۱
۲۵۰۰		از بابت ۳ ماهه چهارم سعداله خان	»	»
۱۵۵۸۴		از بابت ۶ ماهه دوم بارسئیل اسداله خان ملکزاده	حوت	۱۹
۶ لیره	۳۶	از بابت کلیه طلب عبدالحسینخان و رفیع خان	عقرب توشقان	۷
		از بابت قسمتی از مطالبات علیخان دکتر سهرابخان	قوس	۱۸

صورت شاگردانیکه با حقوق خود یا اولیاء خودشان در اروپا مشغول تحصیل هستند

اسم محصل	اسم ولی	محل تحصیل	میزان حقوق سالیانه قران	ملاحظات
امان الله میرزا	مرحوم امان الله میرزا	پترزبورغ	۲۰۰۰	مراجعت کرده است
محمد علی میرزا	معتضد السلطنه	برلن	۶۰۰۰	
حسین خان	معاون السلطنه	سویس	۷۲۰۰	
احمد خان	عماد السلطان	پاریس	۶۰۰۰	
عباس خان	عماد السلطان	آدرس خواسته شده	۶۰۰۰	
هرمز میرزا	حاجی افخم الدوله	پاریس	۵۰۰۰	
نصراله خان نوری	حاجی سیدزکیخان	روسیه	۴۹۲۳	
منظم السلطنه	محتشم السلطنه	پاریس	۴۹۶۶	
موقر السلطان	محتشم السلطنه	پاریس	۴۹۶۶	
کاظم خان اکرام السلطان	مرحوم حاجی محسن خان مشیر الدوله	لوزان	۱۸۰۰۰	مراجعت کرده است
حسام همیون	حاجی شیخ رئیس	فرانسه	۶۰۰۰	
سید مهدیخان	عمید الحکماء	آدرس خواسته شده	۴۶۶۳	(۲۱۶۳) قران حقوق دیوانی است (۲۵۰۰)
سید علیخان	عمید الحکماء	آدرس خواسته شده	۴۶۶۳	قران حقوق دولتی
یوسف خان	حکیم الملک	پاریس	۶۰۰۰	(۲۱۶۳) قران حقوق دیوانی است (۲۵۰۰) قران حقوق دولتی
هوشنگ مقدم	احتساب الملک	لوزان	۵۰۰۰	آقای حکیم الملک میفرمایند این حقوق دو سال است نرسیده
محسن مقدم	احتساب الملک	لوزان	۴۸۶۰	
ایوب تراب خان	مکرم الدوله	روسیه	۲۰۰۰	
محمد امین خان	شاهزاده اعظام السلطنه	پاریس	۵۰۰۰	مراجعت کرده است
میرزا مجید خان	بدیع الملک	پاریس	۳۶۰۰	تهران در مدرسه کنتس کلنا مشغول تحصیل هستند
ربابه خانم و خسرو میرزا	جلال الممالک	تهران	۳۶۰۰	
سلطان علی میرزا	سالار السلطنه	فرانسه	۳۲۶۰	
سلطان حسین میرزا	سالار السلطنه	فرانسه	۳۲۶۰	
غلام علی خان	نظام السلطان	ژنو	۴۰۰۰	
خان باباخان	نظام السلطان	ژنو	۴۰۰۰	
قویم السلطنه	موتمن السلطان	سویس	۴۸۰۰۰	مراجعت کرده است (۲۴۰) تومان حقوق دولتی است (۲۴۰) تومان حقوق دیوانی است

مدت کسب ارزانی که در درجه ششم کسب بهیم و کمتر از آنها را صحت کرده و مدتهای نقد در درجه ششم

ردیف	اسم کسب	اسم درج	مدت کسب	مدت حقوق سالانه	ملاحظات
۱	عزیز خان	نقد بانک	برس	۵۰۰۰	
۲	سید امیر خان	سید امیر خان	=	۵۵۰۰	
۳	مهندس	مهندس	پهلوی	۳۹۰۰	
۴	کالم خان	=	=	۳۹۰۰	
۵	سید امیر خان	مهندس الدوله	فرانس	۵۵۰۰	
۶	مهندسین شریف	سید امیر خان	=	۵۵۰۰	
۷	سید امیر خان دارویش	سید امیر خان	لندن	۷۰۰۰	
۸	ابو شامه شریف خان	سید امیر خان	فرانس	۵۵۰۰	
۹	محمد خان	محمد خان	=	۵۵۰۰	
۱۰	محمد خان صوفی	محمد خان	=	۵۵۰۰	
۱۱	سید امیر خان سید	محمد خان	=	۵۵۰۰	
۱۲	محمد خان سید	محمد خان	=	۵۵۰۰	
۱۳	سید امیر خان شریف	محمد خان	=	۵۵۰۰	
۱۴	رضا خان	محمد خان	=	۵۵۰۰	
۱۵	سید امیر خان	محمد خان	=	۵۵۰۰	
۱۶	محمد خان سید	محمد خان	=	۵۵۰۰	
۱۷	محمد خان سید	محمد خان	=	۵۵۰۰	
۱۸	محمد خان سید	محمد خان	لندن	۵۵۰۰	
۱۹	محمد خان سید	محمد خان	فرانس	۵۵۰۰	
۲۰	محمد خان سید	محمد خان	برس	۵۵۰۰	
۲۱	محمد خان	محمد خان	=	۵۵۰۰	
۲۲	محمد خان	محمد خان	برس	۵۵۰۰	
۲۳	محمد خان سید	محمد خان	فرانس	۵۵۰۰	
۲۴	محمد خان سید	محمد خان	=	۵۵۰۰	
۲۵	محمد خان	محمد خان	=	۶۰۰۰	
۲۶	محمد خان	محمد خان	لندن	۳۰۰۰	
۲۷	محمد خان	محمد خان	برس	۴۸۰۰	
۲۸	محمد خان	محمد خان	=	۵۰۰۰	
۲۹	محمد خان	محمد خان	=	۵۰۰۰	
۳۰	محمد خان	محمد خان	فرانس	۵۰۰۰	

محمد خان

محمد خان

محمد خان

محمد خان

محمد خان



وزارت مالیه

اداره مالیه ایالت آذربایجان

نمره ۲۹

امضای آقایان: ...

ورود بکار وزارت مالیه

تاریخ کتبی ۱۳۳۵

نمره ۵۶۵۰

مقام مسیح وزارت عدلیه

امضای آقایان: ...

امضای آقایان: ...

امضای آقایان: ...

موضوع: ...

امضای آقایان: ...



وزارت معارف و اوقاف

ضمیمه



شماره ۱۱ - نهم - مجله - اردیبهشت ۱۳۳۲

وزارت معارف و اوقاف

تاریخ ۱۹ مهر ۱۳۳۲

نوع: ...

وزارت معارف و اوقاف

مدرست زیر بهی تصنیف و تدریس که در ...

بنا بر ...

بر اساس ...

برای ...

۱۷۵۰	مدرسه ...	۱۷۵۰	مدرسه ...
۱۳۷۵	مدرسه ...	۱۳۷۵	مدرسه ...
		۷۵۰	مدرسه ...

بر اساس ...

۱۳۷۵	مدرسه ...	۱۳۷۵	مدرسه ...
۱۳۷۵	مدرسه ...	۱۳۷۵	مدرسه ...
۱۳۷۵	مدرسه ...	۱۳۷۵	مدرسه ...
۱۳۷۵	مدرسه ...	۱۳۷۵	مدرسه ...
۱۳۷۵	مدرسه ...	۱۳۷۵	مدرسه ...
۱۳۷۵	مدرسه ...	۱۳۷۵	مدرسه ...
۱۳۷۵	مدرسه ...	۱۳۷۵	مدرسه ...

انصاف بر اساس ...

۱۳۷۵	مدرسه ...	۱۳۷۵	مدرسه ...
		۶۵۰	مدرسه ...

انصاف بر اساس ...

۱۳۷۵	مدرسه ...	۱۳۷۵	مدرسه ...
		۶۵۰	مدرسه ...

۱۳۰۹



کمیون تطبیق حوالجات

تاریخ ۵ برج ۱۳۰۷

ضمیمه ۱۱۹۱۱

شماره ۱۵۲۶

اداره مخزنه حجات تبری

در جواب رسیده شماره ۳۰۳۱ که راجع به درخواست گردان تحصیلات اروپا که سواد شرف تصویب نامه یک طرفه از جهت شماره (۷۸) ضمیمه
 در مقام فرموده اند بقیه وجه در جهت ضرورت تصدیق و صورت داده و مورد حجت قرار نگیرد لکن در نظر تصویب نامه اخیر از جهت شماره (۷۸) ضمیمه
 طلب شرکت فرانسه و ایران طلب دیگر مستغنا نمیشود غرض تصویب نامه شماره ۲۲۳۳ است که در تاریخ ۱۳۰۶ در جهت شماره (۷۸) ضمیمه
 فرانسه و ایران را بر چشمه کش گردانی به خرج هر یک مستغنا نمیکند و از منافع آنها در وزارت معارف رسیده که در تاریخ ۱۳۰۶ در جهت شماره (۷۸) ضمیمه
 معلوم کرده صورت به به تا وزارت نماید بر داند مدارای تصویب نامه شماره (۲۱۵۶) این است که چون حکایت در تاریخ ۱۳۰۶ در جهت شماره (۷۸) ضمیمه
 ضرورت جهت توسعه است و نه به علاوه چهار صد و پنجاه و شش که طلب شرکت فرانسه و ایران در جهت تصویب نامه شماره (۷۸) ضمیمه
 در تصویب نامه شماره ۲۰۴۲ در جهت تصویب نامه فوق صدر در تاریخ مرقوم شده است (در جهت شماره ۲۹۷ مطابق محکم
 جهت پیشین آن وزارت جدید است در را تصویب نمود که چون سواد شرف دیگر در جهت شماره (۷۸) ضمیمه
 بابی در مجلس ماهیت وزارت معنی به پذیرفته و در آن روابط تصویب نامه فوق از منافع است هر که به جهت شماره (۷۸) ضمیمه
 و کمیون بقیه شش هزار و آن بر سهم و کتاب تصدیق نموده و یک طرفه طلب شرکت را از این مبلغ جهت شماره (۷۸) ضمیمه
 عمدت ما در این جهت وزارت معنی این بوده باشد و بقیه نامه دیگر ما در این جهت شماره (۷۸) ضمیمه
 در آنجا نمود جهان تنها مگر اول بعد در تصویب نامه شماره (۷۸) ضمیمه

وزارت معارف
 تاریخ ۱۱ مهر ۱۳۰۷
 شماره ۴۵۴۰

۴۱۲



شماره ۲۳۰۳

تاریخ ۱۳۰۷

وزارت معارف
 تاریخ ۷ مهر ۱۳۰۷
 شماره ۲۷۷۹۰